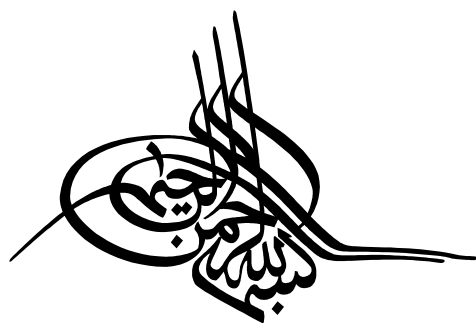




برنامه ریزی درسی

مجموعه علوم تربیتی

مؤلف:

معصومه طاهری هشتی

آمادگی آزمون دکتری

طاهری هشی، معصومه
 برنامه‌ریزی درسی رشته علوم تربیتی / معصومه طاهری هشی
 مشاوران صعود ماهان: ۱۴۰۴
 ۱۲۹ ص: جدول، نمودار (آمادگی آزمون دکتری مجموعه علوم تربیتی)
ISBN/N: 978-600-458-627-6
 فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
 فارسی - چاپ اول
 برنامه‌ریزی درسی
 معصومه طاهری هشی
 ج - عنوان
 رده بندی کنگره: LB۸۰۶/۱۵
 رده‌بندی دیویی: ۳۷۵/۰۰۱
 کتابخانه ملی ایران: ۵۷۴۲۰۷۱



انتشارات مشاوران صعود ماهان



- ☐ نام کتاب: برنامه‌ریزی درسی
- ☐ مولف: معصومه طاهری هشی
- ☐ مدیران مسئول: هادی و مجید ستاری
- ☐ مدیر برنامه‌ریزی و تولید محتوا: سمیه بیگی
- ☐ ناشر: مشاوران صعود ماهان
- ☐ نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۱۴۰۴
- ☐ تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
- ☐ قیمت: ۴۰۰ / ۹۰۰ ریال
- ☐ شابک: ISBN ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۸-۶۲۷-۶

انتشارات مشاوران صعود ماهان: تهران - خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع ولیعصر مطهری، پلاک ۲۰۵۰

تلفن: ۸۸۱۰۰۱۱۳ و ۸۸۴۰۱۳۱۳

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به موسسه آموزش عالی آزاد ماهان می‌باشد. و هرگونه اقتباس و کپی‌برداری از این اثر بدون اخذ مجوز پیگرد قانونی دارد.

بنام خدا

ایمان داریم که هر تغییر و تحول بزرگی در مسیر زندگی بدون تحول معرفت و نگرش میسر نخواهد بود. پس بیایید با اندیشه توکل، تفکر، تلاش و تحمل در توسعه دنیای فکریمان برای نیل به آرامش و آسایش توأمان اولین گام را برداریم. چون همگی یقین داریم دانایی، توانایی می‌آورد.

شاد باشید و دلی را شاد کنید

برادران سیاری

بهار ۹۳

«خدایا تقدیر مرا خیر بنویس، تقدیری مبارک

که هر آنچه را تو زود می‌خواهی دیر نخواهم و هر آنچه را تو دیر می‌خواهی زود نخواهم»
کتاب حاضر بر گرفته از مطالب در حوزه برنامه‌ریزی درسی می‌باشد و چون مقصود داوطلبان ورود به دکتری تدوین یافته است سعی شده به شکلی کامل به ارائه مباحث ضروری و مهم پرداخته شود.
از ویژگی کتاب حاضر، ارائه پاسخ‌های کاملاً تشریحی سوالات کنکور سال ۹۱ و ۹۲ به همراه ذکر شماره صفحه منبع هر سوال می‌باشد.
از همه عزیزانی که در تدوین این کتاب مرا یاری نموده‌اند تشکر می‌کنم.
همچنین مایلم از موسسه ماهان که با اعطای فرصت مطالعاتی امکان نوشتن این کتاب را فراهم ساختند تشکر کنم.

توفیق از اوست

معصومه طاهری هشی

بهار ۹۳

تقديم

پدر، مادر و همسر عزیزه

فهرست:

فصل اول: تعریف و حدود و ثغور برنامه درسی	۷
فصل دوم: جهت‌گیری‌های برنامه درسی	۱۷
فصل سوم: مکاتب فلسفی برنامه درسی	۲۱
فصل چهارم: بسترهای فهم برنامه درسی	۳۳
فصل پنجم: طیف دیدگاه‌های تربیتی	۵۱
فصل ششم: نیازسنجی در برنامه‌ریزی درسی	۶۳
فصل هفتم: الگوهای طراحی برنامه درسی	۷۱
فصل هشتم: تئوری‌های برنامه درسی	۷۷
فصل نهم: فرایند (نظام) برنامه‌ریزی درسی	۸۹
فصل دهم: روش‌های پژوهش در برنامه درسی	۹۵
فصل یازدهم: روش تدریس	۱۰۱
فصل دوازدهم: اجرای برنامه درسی	۱۰۷
فصل سیزدهم: ارزشیابی برنامه درسی	۱۱۳
فصل چهاردهم: مدل‌های برنامه‌ریزی درسی	۱۵۱
منابع	۱۳۰

فصل اول

تعریف برنامه درسی

در ادبیات برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی درسی عبارت است از برنامه‌ریزی فعالیتهای یاددهی - یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده و ارزیابی میزان تحقق این تغییرات (هدفها) است.

آیژنر : برنامه درسی یک مدرسه، یک کلاس یا یک درس را می‌توان مجموعه‌ای از وقایع از قبل پیش‌بینی شده دانست که به قصد دستیابی به نتایج آموزشی - تربیتی برای یک یا بیش از یک دانش‌آموز در نظر گرفته شده است.

میل و لوی: برنامه درسی مجموعه‌ای از مقاصد درباره فرصت‌های اشتغال افراد تحت تعلیم با افراد دیگر و یا اشیا در محدوده زمان و مکانی معین

گود: برنامه درسی عبارت است از یک برنامه کلی و عمومی در ارتباط با محتوای آموزشی که توسط مدارس به دانش‌آموزان ارائه می‌گردد تا در سایه آن یادگیرندگان قادر شوند صلاحیت‌های لازم را در خود به وجود آورده و برای ورود به حوزه‌های فنی و حرفه‌ای خاص آماده شوند.

هیلدا تابا: برنامه درسی برنامه‌ای است برای یادگیری و فرایند برنامه‌ریزی درسی مستلزم پیمودن مراحل نظیر سنجش نیازها، تدوین هدفها، انتخاب و سازماندهی محتوا و نیز تجربیات یادگیری، اجرا و ارزشیابی می‌باشد.

اسمیت: برنامه درسی یک توالی از تجربیات بالقوه است که در مدارس برای ایجاد آمادگی در دانش‌آموزان ارائه می‌گردد و منظور آن کار و تفکر گروهی است.

ماکنزی: رویارویی طرح‌ریزی شده یادگیرنده به جنبه‌های متنوع محیط، با راهنمایی اولیا مدرسه

سیلور و همکارانش: فرصت‌های انتخاب شده برای یادگیری و به وجود آوردن فرصت‌های یادگیری برای افراد تحت تربیت در تعریف دیگر برنامه درسی عبارتست از برنامه‌ریزی مجموعه تدابیر و اقدامات یادگیری - یاددهی به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در توان رفتاری فراگیران و ارزیابی میزان تحقق این تغییرات به عنوان اهداف برنامه است.

تعریف برنامه‌ریزی درسی:

- برنامه‌ریزی فرصت‌های یادگیری جهت ایجاد تغییرات خواسته شده در فراگیران، و ارزیابی میزان محقق شدن این تغییرات.
- برنامه‌ریزی فعالیتهای یاددهی - یادگیری با هدف ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار فراگیران و ارزیابی میزان تحقق این اهداف.

بوشامپ معتقد است برنامه‌ریزی درسی می‌تواند معنی‌های مختلفی داشته باشد که وی ۳ معنا را برای آن مطرح می‌کند:

۱. برنامه درسی به عنوان یک سند مکتوب

۲. برنامه درسی به معنای نظام برنامه‌ریزی درسی یا مهندسی برنامه درسی که شامل اجزای سه گانه تدوین، اجرا و ارزشیابی از برنامه درسی است.
- در این معنا بحث از یک مجموعه انسانی و ساختار سازمانی در نظام آموزشی است که به برنامه درسی در ابعاد تدوین، اجرا و ارزشیابی می‌پردازد.
۳. قلمرو معرفتی، که همچون هر قلمرو دیگر، ابعاد، موضوعات وسعت مفهومی خاص یا ساختار محتوایی دارد. بنابراین در این معنا تعریف برنامه درسی درصدد تعیین حدود و ثغور موضوعی و مفهومی آنی رشته و تعیین وجوه تمایز آن با سایر رشته‌های قلمرو تعلیم و تربیت است.
- برنامه‌ریزی درسی دارای چهار مرحله می‌باشد که عبارتند از:
۱. تعیین و تصریح هدفهای کلی و عینی
 ۲. طرح‌های حیطه برنامه‌ها و یا برنامه‌های درسی
 ۳. انتخاب و به مورد اجرا گذاردن روشهای آموزشی که به وسیله گروههای آموزش و معلمان مسئول صورت می‌گیرد
 ۴. ارزشیابی، تصمیم‌گیری درباره شیوه‌های ارزشیابی از پیشرفت یادگیرندگان به وسیله معلمان و برنامه‌های درسی به وسیله گروه برنامه‌ریزان
- بطور کلی اغلب تعاریفی که از برنامه درسی ارائه شده است را می‌توان در یکی از طبقات زیر قرار داد:
- **برنامه درسی به عنوان مجموعه‌ای از دروس یا برنامه‌ای برای مطالعه:**
- از این نقطه نظر برنامه درسی عبارت از برنامه‌ای که در آن فهرست موضوعات مختلف درسی به تفکیک تعیین و تصریح شده است برای مثال برنامه درسی پایه دوم ابتدایی شامل دروسی نظیر ریاضی، علوم، اجتماعی و... است. تعریف برنامه درسی به عنوان برنامه‌ای برای مطالعه در زمره تعاریف سنتی و محدود است زیرا به مسائلی نظیر اهداف و نیت تعلیم و تربیت، فرایندهای یادگیری، نتایج و بسیاری از تجاربی که یادگیرندگان در محیط آموزشگاه به آن دست می‌یابند بی‌اعتنا است.
- **برنامه درسی به عنوان فهرست رؤس مطالب:**
- در زمره تعاریف سنتی است و عبارت است از مجموعه‌ای از سرفصل‌ها و رؤس اصلی مطالب برای یک درس خاص. برای مثال برنامه درسی جامعه‌شناسی می‌تواند شامل مباحثی نظیر شهرنشینی، طبقات اجتماعی و ... باشد.
- **برنامه درسی به عنوان محتوای یک درس یا مجموعه‌ای از دروس:**
- عبارت است از برنامه درسی به عنوان محتوای آموزشی. در ادبیات برنامه‌ریزی درسی نسبتاً مورد حمایت واقع شده است. در این دیدگاه برنامه درسی تنها به داده‌ها و اطلاعات ثبت شده در کتب درسی و یا راهنمای معلم محدود گردیده است و بسیاری از عناصر دیگری را که باید در برنامه درسی مورد توجه قرار گیرد، نادید گرفته است.
- **برنامه درسی به عنوان برنامه زمانی برای تدریس دروس:**
- براساس این دیدگاه، جدول زمانی تدریس دروس در هفته توسط معلمان و مربیان همان برنامه درسی است. در اثبات محدود بودن این برداشت می‌توان گفت که همان طور که برنامه درسی‌های آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و ... محدود به برنامه زمانی نیستند، برنامه درسی نیز تنها به برنامه زمانی تدوین دروس منحصر نمی‌باشد، اگرچه عنصر زمان، و مدیریت و کنترل آن، یکی از عناصر برنامه درس است.
- **برنامه درسی به عنوان مجموعه‌ای از اهداف و مقاصد:**
- برنامه درسی تعیین پیشاپیش مجموعه‌ای از اهداف یا نتایج یادگیری مورد انتظار است.
- **برنامه درسی به عنوان مجموعه‌ای از تجارب یادگیری:**
- براساس طبقه‌بندی زایس، تعریفی که بر تجربیات یادگیری در برنامه درسی تاکید دارند به دو دسته کلی قابل تقسیم هستند:



الف: برنامه درسی به عنوان مجموعه‌ای از تجربیات یادگیری برنامه‌ریزی شده:

در این دیدگاه، برنامه درسی مجموعه‌ای از تجربیات یادگیری است که پیشاپیش توسط برنامه‌ریزان و یا مدارس پیش‌بینی و تدارک شده است تا دانش‌آموزان در معرض آن قرار گیرند و به مقاصد و نتایج مورد انتظار دست یابند.

ب: برنامه درسی به عنوان کلید تجربیات یادگیری که دانش‌آموزان دارند:

تجربیهایی که یادگیرندگان در محیط آموزشی کسب می‌کنند تنها منحصر به تجربیات برنامه‌ریزی شده و از پیش تعیین شده نمی‌گردد. به عبارت دیگر علاوه بر تجاربی که در برنامه درسی رسمی برای دانش‌آموزان تدارک دیده می‌شود، یادگیرندگان از یکدیگر، از تعامل با کارکنان مدرسه و فضای آموزشی، تجاربی به دست می‌آورند. این تجارب غیررسمی اگرچه از قبل پیش‌بینی نشده است ولی رفتار و نگرش‌های یادگیرندگان اثر شگرفی دارد. این تجارب را اصطلاحاً برنامه درسی پنهان گویند.

• برنامه درسی به عنوان شیوه تفکر:

برنامه درسی وسیله‌ای است که از طریق آن فراگیران درباره مسائل مختلف به تفکر و تامل می‌پردازند.

• برنامه درسی به عنوان یک طرح:

از مهم‌ترین حامیان این دیدگاه، سیلور و الکساندر می‌باشند. اینان برنامه درسی را طراحی برای تدارک مجموعه‌ای از فرصت‌های یادگیری برای افراد تحت تعلیم قلمداد می‌نمایند.

تعریفی از برنامه‌ریزی و مفهوم شناسی آن

برنامه: سند یا مدرکی که شامل مجموعه‌ای از ارقام و اطلاعات مربوط به هم بوده و مطلوب‌ترین توسعه را در طول یک دوره آموزشی معین در آینده پیش‌بینی می‌کند. برنامه محصول فرایند برنامه‌ریزی است.

در ادبیات برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی درسی عبارت از برنامه‌ریزی فعالیت‌های یاددهی، یادگیری به منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده و ارزیابی میزان تحقق این تغییرات (هدفها) است.

تعریف بر اساس مفاهیم مستتر: برنامه‌ریزی فرایندی است مداوم و حساب شده و منطقی، جهت دار و دورنگر به منظور ارشاد و هدایت فعالیت‌های جمعی برای رسیدن به هدف مطلوب.

✓ برنامه‌ریزی درسی جزئی از برنامه‌ریزی آموزشی است.

مفاهیم مستتر در برنامه‌ریزی:

۱- مفهوم جریان و مداومت: برنامه‌ریزی باید با توجه به بازتاب نتایج فعالیت‌های انجام شده، اطلاعات و یافته‌های جدید، تغییرات فن و تکنولوژی، پیشرفت دانش و دگرگونی، منابع و امکانات را دائماً مورد ارزیابی قرار دهد و تکمیل شود به عبارت دیگر برنامه‌ریزی به نوشتن برنامه ختم نمی‌شود بلکه فراگردی است که باید مداومت داشته باشد.

۲- مفهوم تفکر و عقلانیت: برنامه‌ریزی را فعالیتی حساب شده، منطقی و متکی به اطلاعات دقیق می‌داند.

۳- مفهوم دورنگری و هدف‌گیری: برنامه‌ریزی فعالیتی است جهت دار و دورنگر بدین جهت، بسته به چگونگی انتخاب هدف ممکن است آینده‌نگر، آینده ساز و یا آینده گزین باشد.

اگر هدف برنامه‌ریزی فقط پیش‌بینی آینده باشد در این صورت فعالیتی آینده‌نگر است.

اگر هدف برنامه‌ریزی ساختن و شکل دادن به آینده باشد فعالیتی آینده‌ساز است.

و چنانچه هدف برنامه‌ریزی انتخاب کردن بین اشکال مختلف آینده باشد فعالیتی آینده‌گزین است.

۴- مفهوم ارشاد و رهبری: برنامه‌ریزی متضمن ارشاد و هدایت و مداخله در فعالیت‌های جمعی است.

بدین جهت بسته به چگونگی و میزان اعمال نفوذش اشکال مختلف به خود می‌گیرد و انواع برنامه‌ریزی مانند متمرکز الزامی، ارشادی ترغیبی و حل مشکل موردی را شامل می‌گردد.

**عناصر برنامه درسی**

برنامه درسی شامل عناصر مختلفی است که توسط متخصصان این رشته، به طور متفاوت ذکر شده، تا آنجا که کولد و کلاین برنامه درسی را متشکل از ۹ عنصر می‌دانند:

اهداف	مقاصد
محتوا	مواد و منابع
فعالیت‌ها	راهبردهای تدریس
ارزشیابی	گروه‌بندی
زمان و فضا	

ولی در اغلب موارد معمولاً چهار یا پنج عنصر اصلی مورد توجه قرار دارد که عبارتند از:

- هدف
- محتوا
- روش
- ارزشیابی

به این عناصر می‌توان مواد و وسایل آموزشی را نیز اضافه کرد.

این عناصر، در هر برنامه درسی به یکدیگر وابسته بوده و از تعامل و تاثیر متقابل برخوردارند چنانکه اولاً تغییر هر یک می‌تواند عناصر دیگر را تحت تاثیر قرار دهد و ثانیاً اصلاح و بهبود واقعی برنامه درسی و آموزش در یک مرکز مستلزم ایجاد تغییرات مناسب در مجموعه این عناصر است.

توصیف کامل برنامه درسی شامل سه جز اساسی می‌باشد:

۱. موضوع آموزشی یا محتوی
 ۲. روش آموزش یا راهبردهای یاددهی - یادگیری موثر
 ۳. ترتیب زمانی آموزش موضوع یا محتوی فرا گرفتنی
- برنامه‌ریزی درسی دارای چهار مرحله می‌باشد که عبارتند از:
۱. تعیین و تصریح هدفهای کلی و عینی
 ۲. طرحهای حیطه برنامه‌ها و یا برنامه‌های درسی
 ۳. انتخاب و به مورد اجرا گذاردن روشهای آموزشی که به وسیله گروه‌های آموزش و معلمان مسئول صورت می‌گیرد
 ۴. ارزشیابی؛ تصمیم‌گیری درباره شیوه‌های ارزشیابی از پیشرفت یادگیرندگان به وسیله معلمان و برنامه‌های درسی بوسیله گروه برنامه‌ریزان.

از نقطه نظر دیگر می‌توان گفت که آموزش و برنامه‌ریزی درسی شامل سه مرحله کلی است: ۱- طراحی ۲- اجرا ۳- ارزشیابی

منابع اطلاعات مورد نیاز برای برنامه‌ریزی درسی:

منابع اطلاعاتی برنامه‌ریزی درسی شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. یادگیرندگان و نیاز آنان به عنوان مهمترین منبع برای برنامه‌ریزی درسی
۲. جامعه و نیاز جامعه و اطلاع از فلسفه مسلط آن
۳. طبیعت و ویژگی فرایند یادگیری
۴. معرفت سازمان یافته و در دسترس برای آموزش و پرورش (در واقع معرفت قابل دسترس اساس و پایه‌ای است که انتخاب موضوع، محتوا و روش‌های برنامه درسی بر اساس آن میسر می‌شود).



موانع نظریه پردازی در حوزه برنامه درسی:

توسعه نظری در حوزه برنامه درسی با مشکلات فراوانی روبروست. همیر درباره مشکلات نظریه پردازی در این رشته چنین می نویسد:

مطالعه نظریه برنامه درسی طرح پیچیده ای است. نخست، قلمرو تحقیق در برنامه درسی به سبب دامنه و هدف برنامه درسی بسیار گسترده است. این گستردگی باعث می شود کخ نظریه های برنامه درسی غالباً هر کدام به بخش خاصی از برنامه اهمیت دهند. همچنین با وجود محدود شدن نظریه ها به موارد خاص، تلاش هایی که برای ایجاد دانش نظریه پردازی توسط افرادی مانند هریک و تایلر یا فرای انجام پذیرفته به صورت موثری توسط دیگران تداوم نیافته است. دوم آنکه، مطالعات تطبیقی و مطالعات برنامه درسی بین فرهنگی در حوزه نظری بسیار کم به چشم می خورد. برای مثال رویکردهای نظری در بخش های مدیریت، آفریقا و ژاپن به قدر کافی توجه بین المللی را جلب نکرده است. سوم آنکه، نحوه تعریف هدف، معیار و ماهیت نظریه های علمی برنامه درسی به موضوع دائمی مشاجرات برنامه درسی تبدیل شده است. بنابراین از نظر یوهان همیر نامشخص بودن قلمرو تحقیق برنامه درسی، محدود شدن نظریه ها به موارد خاص و نبود مطالعات تطبیقی در زمینه نظریه برنامه درسی از موانع نظریه پردازی در این رشته محسوب می شوند.

از دیگر موانع نظریه پردازی در برنامه درسی:

۱. نظریه های برنامه درسی به سبب پیچیدگی مفهوم برنامه درسی دارای فرضیه های متعدد و پیچیده ای هستند.
۲. همپوشی نظریه های برنامه درسی با نظریه های آموزشی باعث باتکلیفی نظریه پردازان شده است. یعنی ملاکی برای تفکیک نظریه برنامه درسی از سایر نظریه های حوزه علوم تربیتی وجود ندارد.
۳. تفاوت های روشی بین رویکردهای برنامه درسی در مدارس، دانشکده ها و دانشگاه ها و سایر موسسات آموزشی وجود ندارد. به عبارت دیگر وظایف نظریه پردازی در سطوح مختلف مبهم است.

انواع طرح های برنامه درسی

- ۱- **طرح هایی که به شایستگی تاکید می کنند:** این طرح ها بیشتر در مدارس فنی حرفه ای بکار می روند و بر مهارت خاصی تاکید می کنند. این طرح ها رابطه مستقیم میان هدف ها، فعالیت های یادگیری و اجرا را به شدت مورد توجه قرار می دهند.
- ۲- **طرح هایی که بر فعالیت ها و مسائل اجتماعی تاکید می کنند:** این طرح ها اختلاف زیادی با سایر طرح ها دارند و هدف آن طرح برنامه درسی است که روی فعالیت و یا مسائل اجتماعی بیش از معارف و موضوعات درس معمول تاکید می کند.
- ۳- **طرح هایی که بر نیازها و علایق فردی تاکید می کنند:** این نوع طرح برنامه درسی حاصل نهضت آموزش و پرورش نوین می باشد و از برنامه های سنتی به طرف برنامه های متکی به علایق یادگیرنده کشیده می شود. روسو از مدافعان این نوع طرح درسی می باشد.
- ۴- **طرح هایی که به موضوع درسی تاکید می کنند:** این طرح ها غیر کودک محور بوده و به موضوعات درسی پایه تاکید می کنند و بر نقش معلم به عنوان یاددهنده تاکید می کنند. در این نوع برنامه درسی مفهوم دیسیپلین (معرفت سازمان یافته) در یک رشته خاص جایگاه بالایی دارد.

انواع برنامه درسی

۱. برنامه درسی آرمانی (قصد شده، توصیه شده): منظور از این برنامه درسی، نظریات متخصصان، صاحب نظران، سیاست گذاران و کمیته های ویژه است که در مجموع یک برنامه آرمانی مطلوب را ارائه می نماید. این نوع از برنامه نخستین سطوح برنامه درسی است.
۲. برنامه درسی پنهان: این نوع برنامه شامل تدریس ضمنی، غیر درسی و غیر ملموس نظام ارزش ها، هنجارها، طرز تلقی ها و جنبه های غیر ملموس مدارس است که متأثر از کل نظام تربیتی و ساختار کلی جامعه به شمار می آید.



۳. برنامه درسی پوچ: برنامه‌ای که نظام آموزشی عمدتاً مطالبی را ارائه ننماید یا متناسب با درک شاگرد نباشد و عمدتاً ناشی از سلیقه نویسنده برنامه باشد. این برنامه را شاگردان نمی‌توانند در عمل به کار ببرند. نام دیگر این برنامه، برنامه درسی عقیم است.
۴. برنامه درسی رشدگرا: این برنامه درسی حول این محور سازمان یافته است که کودکان مراحل مشخص و مجزایی از رشد شخصیت، شناختی و اخلاقی را پشت سر می‌گذارند. از مدافعان این نظریه می‌توان کهلبرگ، پیاژه، اریکسون و دیویی نام برد.
۵. برنامه درسی مکتوب: بخشی از برنامه درسی است که به صورت کتاب درسی جلوه پیدا می‌کند و برای تدریس ابلاغ می‌شود.
۶. برنامه درسی حمایت شده: کلیه فعالیت‌هایی است که باید صورت گیرد تا برنامه بتواند در عمل اجرا گردد، رعایت و تنظیم زمان، منابع انسانی و مالی و مدیریت از جمله این امکانات است.
۷. برنامه درسی انتخاب شده یا تدریس شده: برنامه‌ای که معلم سر کلاس اجرا می‌کند. از برنامه درسی مکتوب، آنچه را که معلم درس می‌دهد جزء این برنامه است.
۸. برنامه درسی آزمون شده: آن قسمت از برنامه است که مورد ارزیابی و امتحان قرار می‌گیرد.
۹. برنامه درسی یاد گرفته شده: منظور از این برنامه میزان آموخته‌های واقعی شاگردان است. در واقع برنامه اصلی همان چیزی است که دانش‌آموزان یاد می‌گیرند.
۱۰. برنامه درسی ملموس: در این برنامه توجه به بازتاب دانش‌آموز معطوف می‌شود. به این معنی که معلم باید در تدریس شرایط و آموخته‌های قبلی شاگرد را در نظر بگیرد.
۱۱. برنامه درسی کلینیکی: این نوع برنامه بیشترین قدرت را به معلم می‌دهد و رابطه معلم و شاگرد در آن شبیه برخورد پزشک با بیمار است.

انواع برنامه‌ریزی درسی

- برنامه‌ریزی برای یک واحد درسی خاص
- برنامه‌ریزی برای یک کلاس خاص
- برنامه‌ریزی درسی برای یک مدرسه
- برنامه درسی هدف محور
- برنامه درسی جامعه محور
- برنامه درسی فراگیر محور
- برنامه درسی بر پایه فرصت‌های یادگیری
- برنامه درسی بر پایه فعالیت‌های یادگیری
- برنامه درسی موضوع محور
- برنامه درسی براساس پایه مشترک مطالب درسی
- برنامه درسی براساس درهم‌تنیده
- برنامه درسی مارپیچی
- برنامه درسی دوره‌ای

برنامه‌ریزی برای یک واحد درسی خاص

برنامه‌ای است مدون و سنجیده که معلم قبل از تدریس، برای یک واحد درسی خاص تهیه می‌کند.

برنامه‌ریزی برای یک کلاس خاص

در این برنامه‌ریزی که معمولاً توسط معلم انجام می‌گیرد سعی می‌شود که فقط تا حد ایجاد آمادگی برنامه‌ریزی شود و در ادامه کار و به صورت همزمان جزئیات بیشتری را به آن می‌افزایند که این کار قدرت انعطاف‌پذیری معلم را در رابطه با موقعیت



یادگیری و پاسخهای یادگیرندگان بیشتر می‌کند. در این برنامه‌ریزی در واقع خود معلم نقش برنامه‌ریز درسی را دارد و برنامه درسی متناسب با کلاس درس را آماده می‌کند.

برنامه‌ریزی درسی برای یک مدرسه

برنامه‌ریزی مبتنی بر مدرسه به این معناست که مدارس برنامه درسی را براساس فلسفه تربیتی خود تدوین می‌کنند. به عبارت دیگر در معنای محدود، تصمیمات مستقلی که توسط مدیر و کارکنان مدرسه به منظور اجرای نتایج یک برنامه درسی از قبل آماده شده گرفته می‌شود و در معنای گسترده‌تر، یک فرایند تصمیم‌گیری است که شامل فعالیتهایی از قبیل طرح‌ریزی، تدوین برنامه درسی، اجرا و ارزش‌یابی برنامه درسی مدرسه با در نظر گرفتن مهارت‌های یادگیری، حیطه‌های موضوعات درسی به صورت مجزا، مباحث تلفیق شده و موضوعات درسی اجباری و اختیاری می‌شود.

برنامه درسی هدف محور

در این برنامه هدفهای عینی به عنوان پایه‌های طرح‌ریزی برنامه درسی مورد توجه است. برنامه درسی مبتنی بر هدفها به برنامه‌ریزان درسی کمک می‌کند تا به گونه‌ای محتوا و فعالیتهای یادگیری را انتخاب و سازماندهی نمایند که تمام فعالیتها و مواد درسی در طول سالیان متمادی آموزش، به هدف کلی مذکور جامه عمل بپوشانند.

برنامه درسی جامعه محور

در برنامه درسی جامعه محور هدف اصلاح و توسعه جامعه و آماده کردن فراگیران برای دنیای بیرون از مدرسه و محیط خانه و خانواده است و افراد با موقعیتهای زندگی به عنوان مسئله برخورد می‌کنند و درصدد حل آن بر می‌آیند.

برنامه درسی فراگیر محور

برنامه درسی تجربه محور به وسیله روسو با انتشار کتاب تربیتی "امیل" در قرن هجدهم آغاز شد. تفاوت‌های فردی در این نوع برنامه درسی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. در این نوع برنامه درسی که دانش‌آموز محور هم نامیده می‌شود نیازها و علائق فراگیران، محور فعالیتها را تشکیل می‌دهد. جان دیویی در این مورد بر این عقیده است که در آموزش و یادگیری، رغبت و علاقه فراگیران مهمترین عامل است.

برنامه درسی بر پایه فرصت‌های یادگیری

برنامه درسی که بتواند تمام فراگیران را در همه سنین، و یادگیری را در همه موقعیتهای در برگیرد. یک برنامه‌ریزی درسی جامع بایستی هر دو سطح آموزش‌های رسمی و غیر رسمی را تحت پوشش قرار دهد. به آنچه که در قالب هدفهای معین به دانش‌آموزان، به منظور دستیابی به آنها در پایان دوره ارائه می‌شود برنامه درسی رسمی (آشکار) گفته می‌شود.

آنچه که فراگیر از محیط بطور کلی و از خانواده، همسالان، رسانه‌ها، دوستان و معلم و غیره یاد می‌گیرد در زمره محتوی برنامه درسی رسمی قرار نمی‌گیرد بلکه بصورت ضمنی و غیر رسمی حاصل می‌شود و این نوع برنامه صرفاً برای معلمان پنهان است و برای دانش‌آموزان کاملاً آشکار است برنامه درسی پنهان (غیررسمی) نامیده می‌شود.

برنامه درسی موضوع محور

در این برنامه درسی یادگیری یک فرایند مکانیکی است و فراگیران قدم به قدم مراحل در نظر گرفته شده را طی می‌کنند و اهداف برنامه پیشاپیش تعیین شده و روش حاکم بر آن یک روش خطی و متواتر است که بدون انعطاف لازم بایستی طی شود و اولویت اول را در این نوع برنامه موضوع یا محتوای درس دارد نه علایق فراگیران و فرایند یادگیری. این برنامه رایج‌ترین نوع برنامه درسی مورد استفاده است.

مشخص‌ترین و جامع‌ترین ویژگی برنامه درسی موضوع محور، نظم و ترتیب نسبی یا به اصطلاح سلسله مراتب موضوع‌های درسی است.

**معنا و مفهوم دیسپلین**

دیسپلین از نظر واژه‌شناسی به عنوان معرفتی است که دارای ویژگی مناسب بودن برای تدریس و قابل استفاده بودن برای یادگیری است. به این اعتبار دیسپلین معرفت سازمان یافته مناسب برای آموزش است. معرفتی که در حوزه دیسپلین قرار نگیرد، برای تدریس و یادگیری مناسب نیست، چرا که آموزنده نیست. دیسپلین دارای سه ویژگی زیر است:

۱- ساده‌سازی تحلیلی

ساده‌سازی یعنی کاهش اساسی در چندگانگی ذهنی از مفاهیم از طریق به کار بردن نمادها است. ساده‌سازی در امر تدریس موثر، به عنوان نخستین ضرورت محسوب می‌شود. ملاک دیسپلین خوب در ساده کردن فهم و فهمیدن است.

۲- هماهنگی ترکیبی

دیسپلین علاوه بر ساده کردن، به آشکار گردانیدن الگو و روابط معنی دار نیز می‌پردازد. غرض از ترکیب ساختن کل‌های جدید و هماهنگی عناصر به صورت ساختارهای معنی‌دار مربوط به هم است.

۳- پویایی

منظور از پویایی قدرت راهبردی به سوی فهمیدنی‌های بعدی و اکتشاف و ابتکار است.

برنامه درسی بر پایه فعالیتهای یادگیری

در برنامه درسی، مبتنی بر فعالیتهای یادگیری، چارچوب سازماندهی یک درس، از طرف فراگیران و معلمان مشخص می‌شود و برنامه‌ریزان دخالت کمتری در آن دارند.

برنامه درسی براساس پایه مشترک مطالب درسی

گاهی اوقات برنامه درسی براساس مسائل اجتماعی گسترده و یا با متمرکز کردن آن بر روی مفاهیم عمده رشته‌های درسی مختلف، سازمان می‌یابد برای مثال: کنترل موالید، آلودگی هوا، رشد شهرنشینی و غیره. اغلب برنامه‌های درسی از این قبیل را برنامه پایه مشترک درسی می‌نامند.

برنامه درسی براساس درهم‌تنیده

برنامه درسی درهم‌تنیده امروزه در آموزش مقطع ابتدایی گسترش روزافزونی دارد و بر این اساس که در آن مباحث دروس مختلف در قالب یک درس ارائه می‌شود برای مثال: در درس مطالعات اجتماعی، مباحث مختلفی چون تاریخ، جغرافیا، جامعه‌شناسی، تعلیمات مدنی در قالب یک درس ارائه می‌شوند.

برنامه درسی مارپیچی

در برنامه درسی مارپیچی برخی مفاهیم و موضوعهای اساسی به تدریج در طول برنامه درسی عرضه می‌شود بدون اینکه تمامی زمینه مورد یادگیری به طور کامل و منظم تکرار شود.

برنامه درسی دوره‌ای

در برنامه درسی دوره‌ای موضوعهای مشخصی طی دوره‌های ۳ تا ۴ ساله تکرار می‌شود و هر دفعه تکرار با عمق و بعد وسیعتری می‌باشد.

نکته: بسیاری از مربیان سرآغاز ظهور برنامه درسی را به عنوان یک حوزه مطالعاتی، تاریخ انتشار کتاب برنامه درسی، فرانکلین بابیت یعنی سال ۱۹۱۸ می‌دانند.

فصل دوم

انواع جهت گیری ها و تصورات برنامه درسی

جهت گیری های برنامه درسی از نظر شوبرت، اسمیت، کلاین و اسکایرو بررسی می شوند:

❖ جهت گیری های برنامه درسی از نظر ویلیام شوبرت

شوبرت سه نوع جهت گیری برای برنامه درسی قائل شده است:

• سنت گرایی عقلایی

در این جهت گیری نقاشی، تئاتر، داستان های کوتاه و بلند، فلسفه و ریاضیات، تاریخ و مطالعات اجتماعی مهم تلقی می شوند. انسانها در هر زمان به آگاهی نسبت به زیبایی، منطق، سیاست، عقاید مذهبی و ماهیت خود دانش نیاز دارند. گذر تاریخ و تمدن انسان بر روی کره زمین دانشی را فراهم نموده است که این دانش باید به کودکان انتقال داده شود. برنامه درسی باید سنت هنرهای آزاد را زنده نگه دارد. کتابهای بزرگ باید محتوای اصلی برنامه درسی باشد و همچنین فنون و هنرهای خواندن، نوشتن و حساب را تسهیل کند. در سنت گرایی عقلانی توسعه ذهنی فراگیران محور اصلی آموزش است.

• رفتارگرایان اجتماعی

در این جهت گیری برنامه درسی باید متکی به مطالعات علمی و اجتماعی باشد و افراد را برای جهان کارآمدتر سازد. برنامه درسی لازم است به خواندن، نوشتن و مهارت های رایانه و رسانه های ارتباط جمعی معطوف شود و فراگیران را با کار و زندگی در جهان فرا صنعتی آماده سازد. در این نوع جهت گیری برنامه درسی باید از نتایج پژوهش های علمی بهره ببرد و مبتنی بر تحقیقات آموزشی باشد. مهارت آموزی و شایستگی در توانایی های فنی و نیز آمادگی برای زندگی بزرگسالی باید مورد توجه قرار گیرد.

• تجربه گرایان

در این جهت گیری برنامه درسی به جای انتقال دیدگاه متخصصان باید محل تلاقی تجارب و ایده ها باشد. در برنامه های درسی باید فرصت هایی برای بازسازی تجربه فراهم آید.

شوبرت تصورات ممکن از برنامه درسی را به صورت زیر طبقه بندی نموده است:

- برنامه درسی به عنوان محتوا یا موضوع درسی

سنتی ترین تصور از برنامه درسی، برنامه درسی به عنوان موضوع درسی یا محتوای درسی است. قدیمی ترین طبقه بندی موضوعات درسی هفت هنر آزاد بود که از زمان یونانیان موضوعات درسی مطابق آن به دو طبقه تقسیم می شد:

۱. تریویم که متشکل از گرامر، علم بیان و منطق بود.

۲. کوادریویم که متشکل از حساب و هندسه، ستاره شناسی و موسیقی بود.

برنامه درسی به عنوان محتوا یا موضوع درسی سایر فعالیتهای برنامه‌ریزی شده یا برنامه‌ریزی نشده را که بخش اصلی تجربه فراگیران را در مدارس در بر می‌گیرد، نادیده می‌انگارد و در حقیقت چند موضوع درسی ویژه را مورد توجه قرار می‌دهد و ابعاد مهمی مانند رشدشناختی، خلاقیت و رشد شخصی را نادیده می‌انگارد.

- برنامه درسی به عنوان نقشه فعالیتهای از قبل برنامه‌ریزی شده

در این معنا منظور از برنامه درسی یک برنامه جامع شامل دامنه، توالی، اهداف کلی، ارزشیابی و... است. برنامه درسی به عنوان فعالیتهای برنامه‌ریزی شده بیشتر روی توسعه بیرونی به جای توسعه درونی تاکید می‌کند. در این معنا بروندهای برنامه درسی ارزیابی می‌شوند اما فرایندهای یادگیری مورد غفلت قرار می‌گیرند. فعالیتهای از قبل معین شده ممکن است با علائق فراگیران همخوانی نداشته باشد، زیرا تجربه هر فراگیری تنها با فعالیت برنامه‌ریزی شده توسط خود او متناسب است، نه برنامه‌ای که از خارج به او تحمیل می‌شود.

- برنامه درسی به عنوان بروندهای یادگیری قصد شده

در این معنا برنامه درسی روی فعالیتهای کلاسی متمرکز نمی‌شود بلکه به صورت مستقیم روی بروندهای یادگیری از پیش تعیین شده تاکید می‌کند. در اینجا تاکید از وسیله به هدف تغییر جهت می‌دهد. بروندهای یادگیری قصد شده مجموعه‌ای از اهداف روشن هستند. در اینجا هدف برنامه ریز تصریح آن چیزهایی است که فراگیر باید یاد بگیرد.

- برنامه درسی به عنوان بازآفرینی فرهنگی

برخی استدلال می‌کنند که برنامه درسی در هر جامعه‌ای وجود دارد. بنابراین باید انعکاسی از فرهنگ آن جامعه باشد. هدف مدرسه، بازآفرینی دانش و ارزشها برای ایجاد یک نسل موفق است. در این معنا بازآفرینی در شکل غیر نقادانه آن مورد نظر است و فرض بر این است که وضعیت موجود به اندازه کافی مطلوب است و به اصلاحات فرهنگی و اجتماعی نیازی است. نظر مخالف این طرز تلقی از برنامه درسی این است که مدارس یکی از نهادهای مهم برای نیل به آزادی، عدالت و برابری بیشتر محسوب می‌شوند.

- برنامه درسی به عنوان تجربه

تصور اینکه برنامه درسی مجموعه‌ای از فعالیتهای یا غایت‌های از قبل تعیین شده باشد، به وسیله جان دیویی مورد انتقاد قرار گرفت. او با برنامه درسی هدف مدار مخالفت می‌کرد و معتقد بود که مفهوم؛ هدف و روش تعلیم و تربیت جدای از تجربه نیست. معلم یک تسهیل کننده برای رشد شخصی است. برنامه درسی همان تجارب حقیقی یادگیری است و در این معنا برنامه درسی تجربه شده به وسیله فراگیر مدنظر است. اجرای این برنامه مشکل است.

- برنامه درسی به عنوان وظایف و مفاهیم مجزا

در این معنا برنامه درسی مجموعه‌ای از وظایف و مفاهیم است که فراگیر باید آنها را در حد تسلط فراگیرد. به عنوان مثال یادگیری یک وظیفه جدید، اجرای وظایف قدیمی یا اجرای بهتر وظایف. مفهوم مذکور از برنامه‌های کارآموزی در علوم تجاری، صنعتی و نظامی استنباط شده است. یونانیان این نوع دانش را دانش فنی یا تکنه و نوع دانش مقابل آن را دانش ذهنی می‌نامیدند که به معنای فضیلت‌خواهی، پرهیزکاری و نیکی بود. تقسیم یادگیری به بخشهای کوچک آن ممکن است مناسب با یادگیری شرایط متغیر جهان حقیقی نباشد زیرا واقعیتهای جهان حقیقی از مفاهیم کلی تشکیل شده‌اند و در ارتباط با هم معنا پیدا می‌کنند.

- برنامه درسی به عنوان عاملی برای بازسازی جامعه

در این تصور، برنامه درسی مدرسه توان آن را دارد که وضعیت جدیدی در جامعه ایجاد کند. بازسازی یا اصلاح ممکن است از خود مدرسه آغاز شود. به این معنا که فراگیران نقش اصلی در برنامه‌ریزی و زندگی در مدرسه را داشته باشند.



❖ جهت‌گیری‌های برنامه درسی از نظر اسمیت

اسمیت با ذکر طبقه‌بندی ارسطو از دانش در قالب سه دیسپلین یعنی: دانش نظری، دانش تولیدی و دانش عملی روشهای پیوند نظریه و عمل برنامه درسی را در چهار مرحله توضیح داده است:

- برنامه درسی به عنوان مجموعه‌ای از دانش که باید انتقال پیدا کند.

در این معنا برنامه درسی مجموعه‌ای از رؤوس مطالب درسی است که باید انتقال داده شوند. نظریه و عمل برنامه درسی در این رویکرد متکی به محتواسـت.

- برنامه درسی به عنوان محصول

وجه غالب تعلیم و تربیت امروز وجه تولیدی آن است. از این رو برنامه درسی به مجموعه‌ای از تجربی اطلاق می‌شود که کودکان و نوجوانان باید از طریق تحقق اهداف شغلی به آنها نائل شوند.

- برنامه درسی به عنوان یک فرایند

در این معنا برنامه درسی نه یک امر فیزیکی بلکه، بیشتر تعامل میان معلم، فراگیر و دانش است. به عبارت دیگر برنامه درسی آن چیزی است که در کلاس درس اتفاق می‌افتد و آنچه که فراگیر می‌سازد و مورد ارزیابی قرار می‌دهد. از جمله اشکالاتی که در این الگو وجود دارد آن است که، متکی به کیفیت کار معلم است. اگر معلم توانایی تربیت عقلانی را نداشته و در جریان یادگیری هدفمند نباشد، محدودیت‌های شدیدی در جریان آموزش رخ می‌دهد.

- برنامه درسی به عنوان عمل

در الگوی فرایندی گرچه روی قضاوت و معنابخشی تاکید می‌شود اما، نسبت به سعادت بشر و رهایی انسان اظهار نظری نشده است. در این الگو متاثر از تعلیم و تربیت انتقادی روی مشکلات اجتماعی و حقیقی اجتماعی تاکید می‌شود. مرکز توجه این نوع برنامه درسی، برنامه درسی پنهان و روابط اجتماعی مدرسه است.

❖ جهت‌گیری‌های برنامه درسی از نظر کلاین

- رویکرد سنت‌گرایان

طرفداران این رویکردها با عنوان آکادمیست‌ها، ساختارگرایان و روشنفکران خوانده می‌شوند و برای نیل به پیامدها یا بروندادها برنامه‌ریزی می‌کنند. نظریه‌پردازان برنامه درسی سنت‌گرایی: بابیت، تایلر، تابا، بیوشامپ، هاکینز.

- مربیانی که روی خود ادراکی تاکید می‌کنند

تجربه‌گرایان، انسان‌گرایان، نظریه‌پردازان عمومی و طرفداران تحقق خود و نیز نو مفهوم‌گرایان معتقدند که مجموعه از پیش تعیین شده‌ای از دانش‌ها و مهارتها که خارج از کلاس درس تحمیل می‌شود، وجود ندارد. نظریه‌پردازان این نظریه: پل کوهر، مک دونالد، آئوکی، پینار، گرومت و سایر افرادی که کارهای خود را بر اندیشه‌های جان دیویی استوار کرده‌اند.

- مربیانی که روی جامعه تاکید می‌کنند

طرفداران بازسازی اجتماعی و نومفهوم‌گرایان بر اهمیت تعامل ارزشها و تجارب اجتماعی در برنامه درسی تاکید می‌کنند. بنیان‌های نظری این رویکرد متاثر از دیدگاههای نئومارکسیستی است و پژوهش و عمل برنامه درسی بر مبنای نظریه‌های انتقادی برنامه درسی بنا نهاده می‌شود. هدف برنامه درسی ایجاد جامعه‌ای بهتر، بهبود روابط انسانی و تسریع تغییر اجتماعی برای رفع مشکلات اجتماعی است. نظریه‌پردازان این رویکرد: اپل، گیروکس، آنیون، نانسی کینگ.

- مربیانی که به برنامه درسی به عنوان یک حوزه مطالعه و یا رشته درسی می‌نگرند.

این مربیان روی تاریخ برنامه درسی و جمع آوری دانش برنامه درسی تاکید می‌کنند. آنها تعبیر مختلفی از تاریخ برنامه درسی ارائه می‌دهند. کلیبارد، هیو بئر، شوبرت و باری فرانکلین جزو این گروه هستند.

- مربیانی که بر نقش معلم در برنامه درسی تاکید می‌کنند

از نظر این گروه دانش عملی و عقلایی در برنامه‌ریزی درسی، در تصمیم‌های روزانه کلاسی ارزشمند تلقی می‌شود و معلم تصمیم‌گیرنده اصلی در برنامه درسی است. نتایج برنامه درسی هم برای گروه معلمان و هم برای فراگیران منحصر به فرد است. طرفداران این گروه: کانلی، کلاندینی، الباز، ویز.

❖ جهت‌گیری‌های برنامه درسی از نظر اسکایرو

- رویکرد برنامه درسی کلاسیک

در این رویکرد دانش موجود در رشته‌های علمی یا دیسپلین‌ها به شکل آموزشی سازماندهی شده است و بدون برهم‌زدن ساختار فراهم آمده در دانش می‌توان آن را آموزش داد. بنابراین موضوع درسی در هنگام پرداختن به برنامه درسی در اولویت قرار دارد. هدف یادگیری توسعه ذهنی است و امور اجتماعی و روان‌شناختی جدای از دانش برنامه درسی هستند. دانش خود در توالی و نظم خاصی در رشته‌های مختلف علمی فراهم آمده و معلم می‌تواند آن را به نحو احسن به فراگیران انتقال دهد. بنابراین یادگیرنده ضمن اینکه دریافت‌کننده دانش است در جریان آموزش از ساختار و مفاهیم درون رشته‌های علمی نیز آگاهی می‌یابد.

- رویکرد کارایی اجتماعی

در این رویکرد، دانش مجموعه رفتارهایی است که در اعمال فرد متجلی می‌شود. بنابراین آموزش فرایند تغییر رفتار فرد است و ساختار برنامه درسی از تحلیل تکلیف، تحلیل فعالیت به واحدهای کوچکتر و از ساختار متوالی یادگیری تبعیت می‌کند. زندگی انسان مرکب از فعالیتهای خاصی است. آموزش که آماده‌سازی برای زندگی است، وظیفه دارد که فرد را به صورت مشخص و در گام‌های متوالی و در قالب اهداف عینی (و نه ذهنی) برای این فعالیتهای خاص آماده سازد. هدف نهایی آموزش خدمت به نیازهای اجتماعی به نحوی است که موجب تقویت جامعه شود، با این فلسفه که دوره کودکی مرحله آمادگی برای بزرگسالی است. بنابراین اهداف برنامه درسی برای فراگیران نیز از نیازهای اجتماعی نشئت می‌گیرند که معمولاً نیازهای حرفه‌ای هستند. در رویکرد کارایی اجتماعی سازگاری کودکان با دوره بزرگسالی بسیار مهم تلقی می‌شود، در حالی که تغییر یا بهبود اجتماعی ضرورتاً با حفظ وضعیت موجود یا سازگاری با آن امکان‌پذیر نیست.

- رویکرد بازسازی اجتماعی

مطابق رویکرد بازسازی اجتماعی دانش درون یک زمینه اجتماعی - فرهنگی شکل می‌گیرد. دانش و حقیقت به وسیله زمان، مکان و شرایط محدود می‌شود. دانش به گروهها تعلق دارد نه به افراد و به صورت یک سو به انتقال نمی‌یابد، بلکه فراگیران در قالب گفتگو، دانش موجود را نقد و بررسی قرار می‌دهند. در بازسازی اجتماعی هدف تعلیم و تربیت نه سازگاری بلکه نوزایی و غلبه بر مسائل اجتماعی است. افراد برای جامعه آرمانی آینده تربیت می‌شوند و باید به صورت فعال سرنوشت جامعه را به دست گیرند. مربیان آموزشی تنها انتقال‌دهندگان فرهنگ نیستند و آنها خود رهبران فرهنگی محسوب می‌شوند. نگرش بازسازی اجتماعی بر همه جوانب تفکر، احساس، رابطه و عمل کودک در هنگام تعامل با دیگران احاطه دارد.

- رویکرد مطالعه کودک

رویکرد مطالعه کودک بر تجربه فراگیر استوار است. دانش نه از طریق انتقال از معلم به فراگیر، بلکه از طریق تجربه خود فراگیر حاصل می‌شود. برخلاف رویکرد کارایی اجتماعی هدف تعلیم و تربیت آمادگی کودک برای آینده نیست، بلکه هدف ارضای نیازهای فعلی کودک است با این استدلال که اگر نیازهای فعلی کودک به صورت کامل ارضا شود، آینده کودک تامین خواهد شد. در این رویکرد فراگیر در فرایند یادگیری خویش عاملی فعال به حساب می‌آید. محیط آموزشی مملو از فرصتهایی برای تجربه مستقیم و دست اول و مبتنی بر زندگی واقعی کودک است. برنامه درسی به جای موضوع‌های مجزا یک مجموعه تلفیق شده و میان رشته‌ای از دانش است که برای برخورد و تجربه محیطی به کار می‌آید و بر اساس نیازها و علائق کودک سازماندهی می‌شود. فرایند ارزشیابی متوجه فرد است و فراگیر با سایرین مقایسه نمی‌شود. علاوه بر ارزشیابی یا معلم، فرگیر نیز باید در جریان ارزشیابی خود مشارکت داشته باشد.

مکاتب فلسفی برنامه درسی

بدون در نظر گرفتن فلسفه انسان‌هایی که در تعیین مقاصد و اهداف، محتوا، روشهای آموزشی تاثیرگذار هستند نمی توان درباره برنامه‌ریزی درسی بطور عمیق بحث کرد. به عنوان مثال فلسفه معلمان، خواه فلسفه شخصی و یا خواه فلسفه‌ای که از دیگران اقتباس کرده است، تعیین کننده اعمال و رفتار آنها است.

فلسفه آموزش و پرورش متضمن تفکری به شیوه منظم درباره آموزش و پرورش است. تجزیه و تحلیل و ارزشیابی هرگونه فعالیت آموزشی و پرورشی با توجه به ملاک و معیار فلسفه مسلط اجتماعی انجام می‌گیرد. در هر نظام آموزشی، مکتب خاصی به عنوان فلسفه مسلط، نشانگر ارزش‌ها و عقاید و جهان‌بینی مشترک ذینفعان آن است.

ارتباط حوزه‌های فلسفه با آموزش و پرورش

۱. متافیزیک و آموزش و پرورش

در مباحث کلاسی سؤالات متافیزیکی زیادی مطرح می‌گردد سؤالاتی از این قبیل که، واقعیت چیست؟ آیا زندگی دارای مقصودی است یا نه و اگر هست آن مقصود چیست؟ شاید بیشترین ارزش متافیزیک برای آموزش و پرورش آن باشد که متافیزیک امکان بحث هوشیارانه درباره سؤالات و مسائلی را فراهم می‌آورد که برای آنها، حداقل در زمان حال، پاسخ اثبات شده علمی نداریم.

۲. معرفت‌شناسی و آموزش و پرورش

معرفت‌شناسی بخشی از فلسفه است که با منابع، انواع و چگونگی کسب معرفت سروکار دارد. فلاسفه معمولاً یک یا چند مورد از منابع قابل قبول معرفت، مانند ایحایی، شهودی، عقلانی، تجربی و اجتهادی را پذیرفته‌اند. از آن جایی که آموزش و پرورش به طور وسیعی با اکتشاف و انتقال معرفت سروکار دارد، برای معلم داشتن توانایی ارزیابی زمینه‌هایی که معرفت بیشتری بدست آمده است، بسیار مهم است. مثلاً معلم می‌تواند به دانش‌آموزان و دانشجویان یاری دهد تا بتوانند نظر شخصی را از واقعیت و عقیده را از معرفت واقعی تمییز دهند.

نکته: در برنامه‌ریزی درسی هدف‌های آرمانی، کلی و دوره‌های آموزشی از مطالعه معرفت‌شناسی مکاتب فلسفی منتج می‌شود. در واقع اهداف آموزش و پرورش از فلسفه آموزش و پرورش نشأت می‌گیرد.

۳. ارزش‌شناسی و آموزش و پرورش

مطالعه کلی ارزش‌ها که شامل اخلاق و زیبایی‌شناسی است، ارزش‌شناسی نامیده می‌شود. برای برنامه‌ریزان و معلمان مطالعه اخلاق و زیبایی‌شناسی ضروری است زیرا آنان باید سعی کنند در ایجاد معیارهای شخصی به یادگیرندگان کمک کنند و آنان را با عناصر تشکیل دهنده منش که لازمه شهروند خوب و افرادی که دارای آرامش خاطر هستند، آگاه گردانند.

در مطالعه ارزش‌ها معمولاً سه سوال اصلی مورد توجه قرار می‌گیرد:

- ۱- آیا ارزش‌ها عینی هستند یا ذهنی؟ یعنی شخصی هستند یا غیر شخصی؟ ارزش‌های عینی یا غیر شخصی مسلط بر «آرزش‌های درونی» یعنی عینی هستند. این ارزش‌ها بدون توجه به امیال انسان‌ها وجود دارند مثل راستی، خوبی و زیبایی. برعکس ارزش‌های عینی، ارزش‌های ذهنی یا شخصی با امیال شخصی بستگی دارد.
- ۲- آیا ارزش‌ها ثابت هستند یا متغیرند؟ ارزش‌های مطلق، ثابت و غیر متغیرند در صورتی که ارزش‌های متغیر پاسخی هستند به نیازهای فوری انسان. ارزش‌های متغیر، نسبی و همیشه قابل تجدید نظر هستند.
- ۳- آیا ارزش‌ها دارای سلسله مراتبی هستند؟ فلسفه کلی شخص تعیین می‌کند که آیا او برای ارزش‌ها سلسله مراتبی قایل است یا نه.

الف) اخلاق

مطالعه رفتار و کردار آدمی در حوزه ارزش‌ها، علم اخلاق نامیده می‌شود و بیشتر مشتمل است بر مطالعه مفاهیم درباره زندگی خوب برای همه انسان‌ها، ارزش‌های اخلاقی تعیین کننده درستی یا نادرستی عمل هستند و رفتار شخصی را توجیه یا رد می‌کنند. امروزه اغلب اوقات بعضی نظام‌های اخلاقی، گرچه از دین نشأت گرفته‌اند سعی می‌کنند خودشان را در زمینه‌هایی به غیر از دین توجیه کنند، مانند نظام‌های اخلاقی عمل‌گرایان، طبیعیت‌گرایان و نسبیت‌گرایان. ارزش‌های اخلاقی یا از طریق شهود و به طور مستقیم درک می‌شوند، بدون این که درستی یا خطا بودن آنها از راه منطقی یا به راه تجربی اثبات شوند (طرفداران آئین شهودی)، یا افراد ارزش‌های اخلاقی را از طریق رغبت‌ها، نیازها و امیال خود درک می‌کنند (طرفداران طبیعت‌گرایی).

ب) زیبایی‌شناسی

بررسی ارزش‌ها در رابطه با زیبایی و هنر، زیبایی‌شناسی نامیده می‌شود.

نکته: درباره کاربرد ارزش‌شناسی در آموزش و پرورش می‌توان گفت که بیشتر مربیان بزرگ، آموزش و پرورش را کشاندن آدمی زاد به سوی ارزش‌ها می‌دانند.

آنان رشد منش و القا ارزش‌های مشخص را مهم‌تر از تدریس مواد درسی و عقلانی می‌دانند. به این ترتیب علمای آموزش و پرورش به ایجاد ارزش‌های اخلاقی و معنوی مورد لزوم برای ساختن دنیایی بهتر برای زندگی، بیشتر از تدریس مواد و موضوع‌های درسی خاص اهمیت دارد.

منطق آموزش و پرورش

منطق یعنی علم درست اندیشیدن، منظم فکر کردن یکی دیگر از حوزه‌های ضروری فلسفه است، جنبه‌هایی از منطق که بیشتر در آموزش و پرورش کاربرد دارند، دو نوع استدلال منطقی به نام «قیاس» و «استقراء» می‌باشند.

قیاس: استدلال قیاسی عبارت از استنتاج موارد جزئی از یک یا چند بیان مقدماتی است به عبارت دیگر، استدلال قیاسی بیرون کشیدن موارد جزئی از یک تعریف و یا قانون کلی.

استقراء: استدلال استقرایی نتیجه‌تعمیم یا پیش‌بینی است که از امور معین جزئی استنباط می‌شوند.

کاربرد منطق در آموزش و پرورش

ملاحظات منطقی، در زمانی که معلمان فعالیت‌های مربوط به تدریس را سازمان می‌دهند و به مورد اجرا می‌گذارند، ضروری است. به این ترتیب، برای رسیدن به هدف‌های یادگیری مطلوب معلم باید از توالی منطقی و منظم در ارائه موضوع‌های درسی پیروی کنند و به دانش‌آموزان، در مراحل مختلف استنتاج از طریق استدلال و برقرار کردن روابط بین موضوع‌های مورد بحث یاری دهد.

مکاتب فلسفی و آموزش و پرورش

➤ مکتب اصالت دانش پیشینیان

معتقدان این مکتب بر روی «اصالت ماهیت» تاکید می‌کنند و معتقدند که باید میراث‌هایی را که از اجداد و گذشتگان، چون گنجینه‌ای گرانبها به ما رسیده است به نسل‌های آینده انتقال دهیم، نظام آموزشی متکی به این فلسفه وظیفه‌ای جز «انتقال



دانش» و دنبال نمودن هدف‌های تعیین شده ندارد و از هرگونه نوآوری و تحول دوری می‌نماید و بیشتر خواهان برنامه‌های آموزشی و درسی یکسان و متحدالشکل و قابل انعطاف برای همه مدارس جامعه می‌باشد.

بعضی اعتقادات طرفداران مکتب اصالت دانش گذشتگان:

۱. فرهنگ و تمدن گذشته هدف‌های ما را تعیین نموده‌اند.
۲. دانسته‌ها، سنت‌ها، ارزش‌ها قبلاً مشخص شده‌اند و وظیفه آموزش و پرورش انتقال آنها از یک نسل به نسل دیگر است. (انتقال دانش)
۳. روش آموزش باید با انضباط شدید همراه باشد و وظایف یادگیرنده قبلاً تعیین شده باشد و یادگیرنده باید بدون چون و چرا آنها را انجام دهد.

➤ مکتب ایده الیسم (اصالت تصور)

ایده‌الیسم یکی از قدیمی‌ترین نظام‌های فلسفی غرب است که ریشه در تعلیمات سقراط و افلاطون، کانت، هگل دارد و اخیراً هم توسط یوهان هربرت و هرمان هورن مطرح است. معتقدان این مکتب، عقل یا ذهن را بر ماده مقدم می‌دانند و معتقدند واقعیت از راه فکر و با کمک عقل بدست می‌آید و علم آفریده عقل انسان است. مدرسه به منزله گلستان و کودکان گل‌های آن و معلمان باغبان این گلستان هستند.

به نظر این مکتب، معرفت به طور مستقل در ذهن انسان وجود دارد و انسان وظیفه دارد به طور دائمی برای درک بهتر «واقعیت غایی» که اساس همه موجودات است در نتیجه مشترک در همه آنها تلاش کند. واقعیات، تنها تصورات ما از جهان و «ذهن روحانی» هستند که باید به طور دائمی برای درک بهتر آن تلاش کنیم. ایده‌الیست استفاده از معرفت خود شخص و توانایی وی برای استدلال را تجویز می‌کند. امروز فن بیرون کشیدن معرفت از فرد از طریق سوال و جواب به نام روش تدریس سقراطی مشهود است. به نظر ایده‌الیسم‌ها نباید اهداف آموزشی را به صورت قابلیت‌های ریز و پیش پا افتاده درآورد. به عبارت دیگر ایده‌الیسم‌ها با تعیین اهداف رفتاری مخالفند.

ایده‌الیست انسان را به صورت موجود روحانی یعنی معنوی در نظر می‌گیرد که اولین قصد وی در زندگی فهمیدن ماهیت یکتایی خودش است. آموزش و پرورش باید به او در این کوشش یاری کند تا بتواند به ماهیت خود پی ببرد. در این مکتب یادگیرندگان به عنوان انباری از اطلاعات در نظر گرفته نمی‌شوند. بلکه به صورت افرادی در نظر گرفته می‌شوند که مطابق با توانایی‌های ذاتی خود در جستجوی کمال شخصی و تحقق ذات خود هستند.

مقاصد آموزش و پرورش، با هدف غایی زندگی ارتباط مستقیم دارد و آن عبارت از رشد انسان طبیعی به صورت انسان آزاد و عامل اخلاق و تبدیل او به انسان ایده آل به همان صورتی که در چارچوب هدف «ذهن جهانی» معین شده است.

هدف آموزش و پرورش به طور خاص شامل رشد سلامت، رشد شخصیت فردی از طریق کشف وجود بی‌همتای خود و اراده آزاد، توسعه منش هماهنگ، خانواده، مدرسه و جامعه، گسترش عدالت اجتماعی، مهارت، معرفت فلسفی و دین است. لازمه نیل به این هدف‌ها یکی‌سازی و یا اتحاد انسان با عناصر تربیتی است. موضوع درسی از این دیدگاه هدف نیست بلکه وسیله‌ای است که از طریق آن یادگیرنده اراده آزاد خود را تجربه می‌کند و به ماهیت فردی خود پی می‌برد.

برای ایده‌الیست‌ها ارزش‌ها مطلق و غیرقابل تغییرند. تنها فهم انسان از ارزش‌هاست که تغییر می‌یابد و فعالیت‌های مدرسه باید مبتنی بر اصول دائمی «خوب»، «درست»، «زیبا» باشد، کودک باید یاد بگیرد با ارزش‌های ثابت و ابدی زندگی کند.

در فعالیت‌های آموزشی و یادگیری، از ایده‌های موجود در حوزه‌های گوناگون معرفت بشری به ویژه علوم انسانی به عنوان خطوط راهنما و برای تفکر شهودی استفاده می‌کنند. یادگیرندگان فرصت دارند معانی را برای خود کشف کنند و آنها را با تجارب قبلی خود ربط دهند این، اصل اساسی در ایده‌الیسم است. ایده‌الیست در پی توسعه روش‌های متعدد خود رهبری شاگرد است. رغبت‌های شاگردان اساس آموزش و پرورش خوب و میانی روش تدریس است. معلم ایده‌الیست شخص پرهیزگار و بافضیلتی است، او احساس می‌کند باید از نظر اعتقادات شخصی، طرز رفتار و هدایت، نمونه و الگویی برای دانش‌آموز باشد.

برنامه درسی ایده‌الیسم فرصت‌هایی را برای یادگیرندگان فراهم می‌آورد تا از ذهن فعال خود برای تعقل، استدلال و کشف واقعیت‌های شخصی استفاده کنند.

برنامه درسی مبتنی بر نمادها و افکار بوده، شامل موضوع‌هایی درباره ادبیات، علوم انسانی، ریاضیات، دین، تاریخ و فلسفه است. ایده آلیست معتقد است که نیازها و طبیعت انسان در هر جامعه و در هر زمان، مشترک و یکسان هستند. بنابراین وظیفه یا کنش آموزش و پرورش حفظ محتوای موضوع‌های درسی ثابتی است که برای رشد ذهن فرد ضروری هستند.

مشخصات عمده برنامه ایده‌آلیسم به طور خلاصه از این قرار است:

۱. موضوع‌ها ثابت و اجباری هستند.
۲. تفاوت فردی: در ایده‌آلیسم نو، اطلاعات روان شناختی به منظور کمک به معلم برای انفرادی کردن تکالیف در چارچوب موضوع‌های درسی مشترک.
۳. انتخاب اخلاقیات: موضوع درسی هنجار آفرین است. محتوا باید دانش‌آموز را با ایده‌های چگونه باید باشد آشنا کند.
۴. توسعه فرهنگ به صورت فرایند «آراستن»: کودک با بهترین نمونه‌های هنر؛ موسیقی‌ریال ادبیات، زندگی نامه، فیلم‌ها و ...
۵. سازمان موضوع درسی - محتوا: با عبارات ساده و پر معنا، به طور تربیتی و منطقی به صورتی تهیه شده است که دانش‌آموز از ساده، عینی و مقدماتی شروع به مشکل انتزاعی و پیشرفته می‌رسد.
۶. ارزشیابی یادگیرنده به صورت ذهنی است نه عینی: سوالات کتبی از سنخ انشایی و سوالات شفاهی برای سنجش معلومات، توانایی و داوری.

ویژگی‌های ایده‌آلیست‌ها

۱. ارزش‌های روحی تاثیر قطعی در امور جهان دارند و هر چیز بیش از آنکه مادی باشد معنوی است.
۲. تن و روان از هم جدا و مقابل هم قرار دارند. ایده‌آلیست‌ها به دوگرایی (ثنویت) اعتقاد دارند.
۳. رفتار انسان ذاتا هدف‌دار است و تنها پاسخ محرک‌های خارجی نمی باشد بنابراین انسان دارای آزادی اراده است.
۴. زندگی خوب برای انسان زندگی است که در آن مفاهیم ارزشی معقولانه درک شده‌اند و در کردار شخصی آشکار می‌شوند.
۵. بین فرد و جامعه وحدت وجود دارد و هر فرد جزئی از کل است.
۶. وقتی انسان درباره ارزش داوری می‌کند باید معیارهایی برای این داوری داشته باشد.
۷. مدرسه تنها مسئول آموزش ارزش‌ها به کودکان نیست بلکه همه مردم نیز این مسئولیت را بر عهده دارند.
۸. مدرسه بزرگترین نگهبان میراث فرهنگی و عقلی جامعه به شمار می‌رود.
۹. ایده‌آلیست به دین و اخلاق ارزش زیادی قائل است.

هستی‌شناسی ایده‌آلیسم

پندارگرایان عقیده دارند که هستی (جهان یا عالم خارج) امری اعتباری و ذهنی است. یعنی واقعیتی غیر از ادراکات، معانی ذهنی و به طور کلی اندیشه‌ها و پندارهای انسان وجود ندارد. به همین دلیل است که پارامیدس می‌گوید: «آنچه در اندیشه نیاید، نمی‌تواند واقعی باشد». و شوپنهاور فیلسوف معروف آلمانی می‌گوید: «جهان پندار من است». افلاطون که سهم عمده‌ای در گسترش پندارگرایی داشته است می‌گوید که جهان مادی نه بود است، نه نبود، بلکه نمود است. وجودهای محسوس مادی، هستی واقعی ندارند و تابع هستی‌های معقول غیر مادی هستند. یعنی هر یک از موجودات این جهان یک نمونه کامل و حقیقی در جهان دیگر - که جهان اصلی و حقیقی است - دارد. آنچه در این جهان وجود دارد اعم از موجودات مادی و معنوی همه نمود هستند. خود افلاطون آن نمونه‌های کامل را که تنها عقل قادر به درک آن است «ایده» نامیده است که حکمای اسلامی آن را «مُثل» ترجمه کرده‌اند.

انسان به عنوان بخشی از هستی، در نظر پندارگرایان وجودی معنوی است و ماهیت اصلی او را روح وی تشکیل می‌دهد. «هرمان هورن» می‌گوید: روح در جریان تحول و رشد طبیعت آخرین چیزی است که به موجود زنده هدیه می‌شود و کانت انسان را تا آن حد آزاد می‌داند که او را روح بدانیم. هگل معتقد است که انسان جزئی از حیات مطلق و جرقه‌ای از روح جاودانی است که به هنگام مرگ دوباره در آن جذب می‌شود. انسان در نظر پندارگرایان دارای دو قوه عقل و اراده می‌باشد.



پندارگرایان معتقدند که شناخت انسان مستقل از تجارب هستی اوست. انسان پندارها یا تصورهایی از جهان، و پدیده‌ها را از همان آغاز زندگی در ذهن دارد. ما باید به جای تجربه کردن اطراف خود، درباره آنها اندیشه کنیم. پندارگرایان در این باره تئوری توافق را مطرح می‌کنند که بر اساس آن معیار حقیقی بودن یک فرضیه توافق و سازگاری آن با دیگر قضایای ذهنی است. پندارگرایان جهان را در ذهن خود جستجو می‌کنند. این نگرش با افلاطون شروع می‌شود که اعتقاد داشت شناخت حاصل از راه حواس، معرفت واقعی نیست، بلکه حدس و گمان است. شناخت واقعی حاصل تفکر و خردورزی است. کانت نیز بیان می‌کند که عمل ذهن تنها اخذ محسوسات نیست، بلکه کار اصلی آن تبدیل محسوسات به مدرکات است. به این اعتبار اساس معرفت به نظر او عبارت از نظم و وحدت بخشیدن به اطلاعاتی است که توسط حواس گردآوری می‌شوند و این کار هم به وسیله ذهن انجام می‌شود.

معرفت‌شناسی ایده‌آلیسم

معرفت از نظر ایده‌آلیست‌ها مستقل از تجربه حسی فرد است و منشاء آن در ذهن و عقل انسان است. اهداف آموزش و پرورش بیشتر از روش‌های تعلیم و تربیت اهمیت دارند. مطالعه در علوم انسانی بیشتر از علوم طبیعی اهمیت دارد. این مکتب بر این عقیده است که فعالیت تربیتی باید به تحقق ذات و یا شخصیت همه افراد متوجه باشد.

ارزش‌شناسی ایده‌آلیسم

ارزش‌ها در این مکتب ثابت، ازلی و تغییرناپذیر هستند. به طور کلی ارزش‌ها را در وجود خدا یا یک نیروی روحی غیر شخصی طبیعت می‌دانند.

تربیت در ایده‌آلیسم

پندارگرایان هدف تربیت را شکوفایی استعدادهای انسان می‌دانند به نظر آنها هدف تربیت مهمتر از روش تربیت می‌باشد. آرمان‌گرایان برای معلم در تربیت ارزش فراوانی قایل هستند و وی را همکار خداوند می‌دانند (معلم محور). به نظر پندارگرایان تربیت از درون شروع می‌شود و یادگیری یعنی یادآوری. به نظر این گروه هدف تربیت باید رشد و تکامل «ذهن» و «خود» محصل باشد و به مطالعه علوم انسانی بیشتر از علوم طبیعی اهمیت می‌دهد. این مکتب انسان خوب را به انسان با معلومات ترجیح می‌دهد و آموزش و پرورش را این گونه تعریف می‌کند: نفوذ انسان روی انسان.

برنامه درسی ایده‌آلیست‌ها

ایده‌آلیست‌ها تجارب را به دو دسته تقسیم می‌کنند:

۱. آنچه به محیط طبیعی اختصاص دارد.

۲. آنچه ویژه انسان است.

پس بنابراین برنامه درسی نیز دو گونه است:

الف) علوم

ب) موضوع‌های انسانی

بطور کلی برنامه درسی ایده‌آلیست‌ها شامل (۱) ادبیات مخصوصاً ادبیات ملی (۲) هنرها مخصوصاً هنر موسیقی (۳) احکام دینی می‌شود. و مواد درسی ادبیات، زبان، علوم، ریاضیات، تاریخ و جغرافی حائز اهمیت هستند. روش تدریس در ایده‌آلیسم مبتنی بر تفکر و تعقل است. روش اصلی دیالکتیک (گفتگوی آزاد) است. و معتقدند روش تدریس از موضوع درسی جداست.

اما بعضی از اعتقادات طرفداران مکتب ایده‌آلیسم

۱. حقیقت بیشتر معنوی است نه مادی.

۲. در جهان، معنویات بیشتر از مادیات اهمیت دارند.

۳. هدفها تعیین کننده روش‌اند.

۴. آموزش و پرورش به هر فرد باید کمک کند که خصائص ذاتی خود را بروز داد، و آنها را توسعه و تقویت نماید.

۵. آموزش و پرورش باید به عظمت روح انسان و شخصیت او احترام بگذارد.

۶. آموزش و پرورش باید در راه تقویت بدن، ذهن، مهارت‌های لازم، نیروی خلاقه و قدرت‌های هنری در شاگردان بکوشد.

➤ رئالیسم: (Realism)

واقع‌گرایی یا اصالت واقع نقطه مقابل ایده آلیست‌ها است. برای اشیای خارج از ذهن ما واقعیت قائل است و وجود آنها را مستقل از ذهن یا عقل انسان می‌داند. اشیای آن چنان که هست قبول دارد و از تعبیر و تفسیر جهان خارج طبق تجربه‌های شخصی خودداری می‌کند. فلسفه رئالیسم دارای دو اصل است:

- اصل استقلال (ناپیوستگی)

- اصل قابلیت شناسایی

اصل استقلال (ناپیوستگی)

یعنی جهان خارج از ذهن انسان و مستقل از آن وجود دارد. هر چند که انسانی هم نباشد که آن را درک کند. یعنی وجود اشیاء به شخصی که به وجود آنها آگاهی داشته باشد، وابسته نیست و خود به خود در جهان خارج وجود دارد.

اصل قابلیت شناسایی

یعنی جهان آن چنان که هست قابلیت شناخته شدن دارد و جهان را همان گونه که هست می‌توان شناخت. واقع‌گرایان به منطق استقرایی و روش علمی اعتقاد دارند. جهان را مکانیکی می‌پندارند و به روابط علت و معلولی عقیده دارند. هدف آموزش و پرورش عبارت است از نگهداری و انتقال میراث فرهنگی به نسل‌های آینده. آدمیان در ارتباط با حوادث جهان بیشتر تماشاگر ایستا هستند تا شریک فعال.

فلسفه رئالیسم از زمان ارسطو آغاز شده است. با توجه به سوال هستی‌شناسی درباره واقعیت، ارسطو پاسخ می‌دهد که ماده یا دنیای مادی واقعیت دارد. به طور کلی جهان خارج به طور واقعی وجود دارد. آنها شبیح یا سایه‌ای از مثل نیستند.

رئالیسم دینی، رئالیسم قدیمی – یعنی کلاسیک، عقیده دارند که معرفت واقعی به بهترین صورت از طریق الهام از خداوند و به وسیله استدلال و تجربه، اثبات و فهمیده می‌شود. به طور کلی رئالیست عقیده دارد که جهان و اجزاء آن به طور مستقل از تصورات انسان وجود دارند و مطابق با قوانین ثابت عمل می‌کند. به این ترتیب وی برای جهان طرح مطلق را در نظر می‌گیرد که دائمی و ابدی است.

رئالیست می‌گوید برای ما داشتن معرفت درباره این جهان و مردمی که روی آن زندگی می‌کنند، ضروری است. بنابراین، آموزش و پرورش باید شامل موضوع‌های درسی اساسی باشد که یادگیرنده را با دنیای لایتغیر، که در آن زندگی می‌کند، آشنا کند و سازگاری فرد با محیط مادی را فراهم آورد.

رئالیسم نو

برتراند راسل از پیشگامان این نگرش فلسفی است. این فلسفه در دوران جدید بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. بین ظاهر و باطن موجودات فرقی قائل نیست و اشیاء را آن چنان می‌داند که به چشم می‌بیند. این فلسفه کوششی بود علیه نفوذ زیاد و وسیع متافیزیک‌ها و ایده آلیست‌ها که طبیعت را اساس، و عقل و ذهن را قسمتی از آن و وابسته به آن می‌دانند.

واقع‌گرایان انتقادی

این گروه بر این عقیده هستند که جهان را به طور غیرمستقیم می‌توان شناخت.

واقع‌گرایی عقلی (قدیمی)

(انسان موجودی جسمانی – روحانی است). این گروه مستقیماً تحت تأثیر اندیشه‌های ارسطو هستند. واقع‌گرایان عقلی در این نکته توافق دارند که جهان مادی واقعی و مستقل از ذهن انسان وجود دارد. اما واقعیت را منحصر به جهان مادی نمی‌دانند. سن توماس آکویناس بنیانگذار واقع‌گرایی دینی عقیده دارد که جهان مادی واقعی است ولی تمام جهان نیست.

واقع‌گرایی طبیعی (علمی)

(انسان موجودی زیستی – اجتماعی است). این گروه بعد از گسترش عقاید فرانسویس بیکن در اروپا بوجود آمده؛ اصل اساسی این نوع واقع‌گرایی این است که ماده واقعیت نهایی است و هستی عبارت است از آنچه در تجربه حسی ما آشکار می‌شود و به



غیر از این هیچ چیز دیگری واقعیت ندارد. واقع‌گرایان طبیعی یا منکر معنویات هستند یا اینکه اعتقاد دارند که نمی‌توان وجودهای معنوی یا مجرد را اثبات کرد. دیوید هیوم از طرفداران این گروه عقیده دارد که هر موضوع جسمانی مستقل از ذهن ما وجود دارد و ما مستقیماً خود شی را درک می‌کنیم.

رنالیست‌های کلاسیک: افرادی مانند کمنیوس، جان لاک و هربرت از نمایندگان این گروه هستند. در بررسی معرفت‌شناسی رئالیسم، می‌بینیم که رئالیست به مطالعه جهان و کشف اصول و قوانین آن به همان ترتیبی که وجود دارند، نظر می‌دهد. عقیده دارد که واقعیت ماده بر اساس تجربه حسی معلوم می‌شوند و هم صدا با ارسطو می‌گوید: چیزی نمی‌تواند در عقل باشد مگر آن که در اصل به وسیله حواس، از راه دیدن، شنیدن، لمس کردن، چشیدن و بو کردن تجربه شده باشد.

ذهن انسان در زمان تولد همانند لوح سفیدی است که به تدریج و در طول زندگی از راه حواس و نقوشی که بر آن نقش می‌بندد پر می‌شود. این نقوش را ما به اصطلاح یادگیری می‌نامیم. واقعیت جنبه مادی دارد و از راه حواس درک می‌شود. دانش ما از اندیشه و پندار ما سرچشمه نمی‌گیرد بلکه اساساً از راه حواس ماحصل می‌شود.

معلم رئالیست هدف اصلی آموزش را در انتقال معرفت واقعی درباره دنیای واقعی در نظر می‌گیرد بدون اینکه ضرورت معرفت عقلانی را از نظر دور بدارد. دانش‌آموزان باید از افراد مطلع و دانا یاد بگیرند و نباید آنهایی را که برای یادگیری اهمیت دارند، کنار گذاشت. بنابراین نباید به شاگردان در انتخاب آن چیزهایی که باید آموخته شود آزادی زیادی داده شود. در هر حال خواسته‌ها و رغبت‌های شاگردان راهنمای اصلی برای تحصیل و آموختن نیست.

رئالیست معتقد است که محتوا باید با تجارب یادگیرندگان ارتباط داشته باشد و امیدوار است که هر موقع ممکن است از رغبت‌ها و انگیزه‌های شاگردان استفاده کند.

رئالیست‌ها معلم محور هستند و روش تدریس آنها بر طبق محسوسات است و به جای تلقین معلومات امکان‌هایی را فراهم می‌آورد تا شاگردان به کشف بپردازند. همین طور روش تدریس حالت آمرانه دارد یعنی معلم باید از شاگردان بخواهد حقایق را به یاد بسپارند و مقایسه کنند و از آزمون‌های عینی باید در ارزشیابی استفاده کرد. برای ایجاد انگیزه، معلم باید موفقیت شاگرد را درک کند و به او پاداش دهد. در برنامه درسی اصول روان‌شناختی را کاملاً مراعات می‌کنند، به مواد و موضوعات بیشتر اهمیت می‌دهند که بایستی از آسان به مشکل باشد و شامل علوم و ریاضی، علوم انسانی و اجتماعی و ارزش‌ها است.

رئالیست معتقد است که محتوا باید با تجارب یادگیرندگان ارتباط داشته باشد و امیدوار است که هر موقع ممکن است از رغبت‌ها و انگیزه‌های شاگردان استفاده کند.

ارزش‌شناسی رئالیست‌ها

ارزش‌شناسی رئالیسم از اعتقاد او به دنیای مادی و قانون سرچشمه می‌گیرد. رئالیست به ارزش‌های ثابت معتقد است به نظر وی آموزش و پرورش باید پشتیبان حقایق مسلم باشد.

در این مکتب هر چیز سازگار با طبیعت ارزش دارد و معیارهای ارزش به وسیله عمل عقل تعیین می‌شوند. داوری ارزشی هم اگرچه جنبه ذهنی دارد بر احساس استوار است. واقعیت اجتماعی معیار ارزش‌های فردی می‌باشد.

تربیت در این مکتب بیشتر از اینکه یک عمل ساختگی باشد یک عمل طبیعی است و قوانین و اصولی را که آموزش و پرورش باید بر آنها بنیان‌گذاری شود می‌توان در طبیعت کشف کرد.

نکات مهم تربیتی رئالیست‌ها

- اعتماد به بررسی و بحث علمی پیش از اعتماد به تجربه علمی فلسفه آموزش و پرورش
- گنجاندن مواد طبیعی به جای مواد ادبی در برنامه درسی.

از نظر رئالیسم هدف غایی آموزش و پرورش، عبارت است از هدایت یادگیرنده برای شناخت جهانی که در آن زندگی می‌کند آن چنان که بتواند بر واقعیت‌ها تسلط یابد.

برنامه درسی معمولاً بر علوم، ریاضیات و زبان‌های خارجی به عنوان عناصر اصلی آموزش و پرورش تاکید دارد و علوم انسانی از اهمیت کمتری برخوردار است.

موضوع و محتوای درسی که به وسیله اقتدار سنتی تعیین می‌شوند، از منطق و ترتیب قابل پیش‌بینی (از ساده به مشکل و پیچیده) پیروی می‌کند. معلم برای یاری دادن به کودک جهت تسلط بر واقعیات از تدریس علمی و نشان دادن واقعیات اکتشافی و تجربی، مباحثه‌ای و استدلال و گردش علمی توأم با وسایل کمک آموزشی استفاده می‌کند. نقش معلم در ارزشیابی پیشرفت دانش‌آموزان مهم است. از معلم انتظار می‌رود یادگیرندگان را به تکرار، توصیف ... آشنا کند. به نظر رئالیست عناصر معرفتی را که یادگیرندگان باید در آن تسلط پیدا کنند را می‌توان تعیین کرد.

اما بعضی از اعتقادات طرفداران مکتب رئالیسم

۱. طبیعت و اشیاء مستقل از تصورات وجود دارد.
 ۲. طبیعت قبل از پیدایش انسان وجود داشته و بعد از نابودی انسان باز هم وجود خواهند داشت.
 ۳. واقعیت از راه تجربه بدست می‌آید.
 ۴. قوانین طبیعی مستقل از تصورات و تفکرات انسان عمل می‌کنند.
 ۵. اشیاء را آن چنان که می‌بینیم باید توصیف کنیم نه آن چنان که می‌پنداریم.
 ۶. معرفت از راه حس‌ها حاصل می‌شود، نه از راه حافظه.
 ۷. آموزش و پرورش باید انسان را برای زندگی آماده کند.
- جان لاک هدف‌های اصلی آموزش و پرورش را عبارت از این سه هدف عمده دانست:

۱. نیرومندی بدن
۲. نیرومندی اخلاق
۳. نیرومندی فکر با عقل

جان لاک، جمله معروف عقل سالم در بدن سالم است را ترویج نمود. هربارت می‌گوید به عقیده من تمام تصورات جدید انسان توسط تصورات قبلی و موجود در ذهن او تعبیر و تفسیر می‌شوند.

➤ مکتب راسیونالیسم (اصالت عقل)

طرفداران این مکتب فلسفی منبع و منشاء اصلی معرفت را عقل می‌دانند نه تجربه و یا ادراکات حسی. اینان معتقدند که علم یقینی و معتبر از درون سرچشمه می‌گیرد نه از برون

بعضی از اعتقادات طرفداران راسیونالیسم

۱. قدرت اندیشه و آزادی در بکار بردن آن، منبع معرفت است.
 ۲. باید قدرت تفکر، استدلال و اراده را در کودکان تقویت نمود.
 ۳. برای بدست آوردن حقیقت، اول باید بی طرف شد و در حقایق ظاهری و صوری شک کرد. بعد از راه تفکر و استدلال به معرفت یقینی رسید. (دکارت می‌گوید: من فکر می‌کنم پس هستم).
 ۴. هدف آموزش و پرورش باید تربیت عقلی اخلاقی و اجتماعی باشد.
 ۵. درس معلم باید همراه با سوالات اندیشه آفرین باشد.
 ۶. در یادگیری باید از چهار اصل ۱- بدهت ۲- تحلیل ۳- ترکیب ۴- استفسار استفاده کنیم.
 ۷. انسان باید میان بد و خوب، خیر و شر به کمک عقل، خوب و خیر را انتخاب کند.
 ۸. باید در راه شناخت دانش و چگونگی پیدایش آن کوشش نمود.
- از بنیانگذاران این دیدگاه فلسفی می‌توان دکارت، لایبنیز و اسپینوزا را نام برد.

➤ مکتب پراگماتیسم (اصالت عمل)

فلسفه اصالت عمل یا پراگماتیسم فلسفه‌ای است که نتایج عملی افکار و معتقدات را معیار تعیین ارزش‌ها و حقیقت آنها می‌داند. پراگماتها به علوم تجربی و دنیای متغیر و مسائل آن و طبیعت آن چنان که هست می‌پردازند. به عقیده طرفداران این مکتب مرز واقعیت از تعامل یا تاثیر متقابل بین انسان و محیط ناشی می‌شود. واقعیت کل چیزی است که ما تجربه می‌کنیم.



پراگماتیست‌ها عقیده دارند به طبیعت آن چنان که هست باید پرداخت. تجربه اصل است و از تعامل فرد با محیط حاصل می‌شود.

بنیانگذار فلسفه پراگماتیسم چارلز پیرس بود که در حوزه فیزیک کار می‌کرد و بنیانگذار مکتب پراگماتیسم ویلیام جیمز است که بیشتر در حوزه روانشناسی کار می‌کرد. همین طور جان دیویی هم از طرفداران و پیشگامان این مکتب فکری است که در حوزه زیست‌شناسی کار می‌کرد و تحت تاثیر داروین بود. عقاید طرفداران این مکتب عبارتند از:

۱. افکار به تنهایی برای واقعیت کافی نیستند و عمل به این افکار برای تعیین ارزش آنها ضرورت دارد.
۲. تنها آزمون حقیقت در این است که به حل رضایت بخش مسائل بکار رود.
۳. باید به زمان حال پرداخت نه گذشته، چرا که پرداختن به گذشته از خصایص واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی است.
۴. باید بر روی تغییر تاکید کرد که تنها واقعیت است.
۵. برای حل مسائل موجود باید از روش علمی استفاده کرد.
۶. حقیقت به شرایط و اوضاع و احوال موجود بستگی دارد و چیز مطلقی نیست.
۷. تجربه واسطه یا میانجی افکار و عمل است.
۸. رفتار یک فرایند سازگاری پایان ناپذیر با جامعه است.
۹. یادگیری به انسات بینش‌های جدید می‌بخشد.
۱۰. معلمان قدرت مطلق نیستند و نمی‌توانند یادگیری را برای محصلان انجام دهند.
۱۱. روش پروژه از مهمترین روش‌های تدریس است که کودک را با مشکلات زندگی مواجه می‌کند.
۱۲. مبداء و محور آموزش و پرورش را کودک می‌داند.
۱۳. تربیت در نظریه پراگماتیست‌ها توجیه انگیزه‌ها و استعدادهای فطری است.
۱۴. به فرد و دموکراسی اعتقاد و ایمان زیادی دارد.
۱۵. به روش بیشتر از هدف اهمیت می‌دهند به همین دلیل هم روش‌های تدریس را مورد انتقاد قرار می‌دهند.
۱۶. شاگرد باید دائماً در حال فعالیت باشد.
۱۷. یادگیری از طریق زندگی اساس پراگماتیسم است.
۱۸. تقسیم برنامه درسی را به علوم مختلف مورد انتقاد قرار می‌دهد.
۱۹. مدرسه را جامعه کوچکی از اجتماع بزرگ می‌داند.

اصول آموزش و پرورش پراگماتیسم

الف - فلسفه عمل‌گرایی به اصل تکامل در برنامه درسی معتقد است؛

اصل تکامل عبارت است از زندگی شاگرد و تجربه وی به طور کلی و مخصوصاً فعالیت کنونی وی.

به نظر جیمز فکر درست آن است که به موفقیت ما در زندگی منجر گردد و ایمان و اعتقاد صحیح آن است که به تحقق یافتن اهداف ما در جهان و زندگی کنونی منتهی گردد. نشانه حق، موفقیت و نشانه باطل، شکست است. به نظر وی تربیت در گذشته حالت ارتجاعی داشته است چرا که یافته‌های روانشناسی را در نظر نگرفته است.

همچنین وی اعتقاد دارد که معلم رسالت جهانی دارد و در برابر این پرسش که مهمترین رفتار معلم در تربیت چیست، پاسخ می‌دهد که معلم باید بالاتر از همه چیز تشویق کند. تاثیر جیمز در روانشناسی و آموزش و پرورش مستقیم و در فلسفه تعلیم و تربیت غیر مستقیم بود در صورتی که این امر در مورد دیویی برعکس بود.

پراگماتیست‌ها مساله انسان و آموزش و پرورش را بیشتر از سایر مکاتب مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. این مکتب از عمل روزمره به یک فلسفه تبدیل شده است نه از نظریه.

هستی‌شناسی پراگماتیسم

عمل‌گرایان جهان و هستی را دارای تغییر می‌دانند و اعتقاد دارند جهان ازلی و ابدی نیست بلکه «هستنده‌ای در حال شدن» می‌باشد. پراگماتیسم‌ها به همه چیز در جهان، در حال تغییر نگاه می‌کنند و از نظر آنان (دیویی) جهان ناتمام است و بشر به

اصلاح و تغییر مکرر آن می‌پردازد. همچنین به نظر آنها ما جهان را تجربه می‌کنیم، یعنی انسان با هستی به طور مستمر در حال کنش و واکنش می‌باشد و در جهان یگانگی و وحدت نیست بلکه آنان به چندگانگی و کثرت اعتقاد دارند.

شناخت‌شناسی پراگماتیسم

عمل‌گرایی بیشتر یک مکتب شناخت‌شناسی است. آنان تجربه را ملاک معرفت می‌دانند و معتقدند که معرفت یا شناخت، حاصل عمل میان انسان و محیط اوست. آنچه دانسته می‌شود فرضیه‌هایی هستند که درستی آنها در عمل و تجربه تایید می‌شود و حل مساله دارای مراحل زیر است:

- ۱- برخورد به مساله
- ۲- تعریف مساله
- ۳- گردآوری اطلاعات درباره مساله
- ۴- فرضیه سازی
- ۵- آزمون فرضیه و حل مساله

معرفت ما به علت تغییرات مداوم جهان و انسان در عمل‌گرایی همیشه محدود و نسبی است و حقیقت وابسته به اینجا و اکنون است.

ارزش‌شناسی پراگماتیسم

این دسته، بنیاد ارزشها را بیشتر در فعالیت‌های فردی و اجتماعی جستجو می‌کنند. آنها عقیده دارند ارزشها تا آن حد وجود دارند که در جریان زندگی فردی و اجتماعی به طور مستقیم و غیرمستقیم اثر عملی دارند بنابراین پیش فرض‌های ما در این باره از طریق تجربه تحقق پیدا می‌کنند. به نظر عمل‌گرایان، ارزش‌های مطلق و ابدی وجود ندارد بلکه نسبی و در حال تغییر می‌باشند.

تربیت در پراگماتیسم

اساس تربیت در عمل‌گرایی تجربه است. تجربه به معنای تعامل میان فرد و محیط. هدف تربیت عمل‌گرایی، آماده کردن کودک برای تفکر، تجربه و زندگی اجتماعی است. تجربه و تفکر باعث می‌شود که دانش‌آموز بتواند درباره مسائل تحصیلی و زندگی خود به تفحص پرداخته و مراحل روش حل مساله را طی کند. تربیت در عمل‌گرایی یعنی نوسازی مستمر تجارب دانش‌آموز. در این میان معلم، مشاور دانش‌آموز است که برای دانش‌آموزان موقعیت‌های مساله‌دار ایجاد می‌کند. عمل‌گرایی به آموزش و پرورش قدیم انتقاد کرده و با محور قرار دادن نیازها و علایق شاگردان و تاکید بر تفکر و حل مساله به جای حفظ و تکرار، آموزش و پرورش جدید را به وجود آورد. در عمل‌گرایی آموزش به صورت گروهی انجام می‌شود نه فردی. زیرا جمع بر فرد برتری دارد. برنامه‌های درسی در عمل‌گرایی باید یک کل را تشکیل دهند و مبتنی بر نیازهای روزمره دانش‌آموزان باشند. محتوای برنامه درسی باید در برگیرنده واقعیات جدید و در حال تغییر جامعه باشند. روش تدریس همان روش حل مساله می‌باشد.

بعضی از اعتقادات طرفداران مکتب پراگماتیسم

۱. تجربه بهترین وسیله شناخت حقایق است.
۲. یادگیری نتیجه عملیات فعالانه یادگیرنده به روی اشیاء و مفاهیم و به طور کلی عوامل موجود در محیط است.
۳. ارزش و حقیقت افکار به نتایج عملی و کاربردی آنها بستگی دارد.
۴. طبیعت را آن چنان که هست و از راه تجربه باید شناخت.
۵. فکر و اندیشه وسایلی هستند که می‌بایست در خدمت بشر باشند.
۶. آنچه می‌آموزیم از مطالعه روحیات و استعدادها و علایق یادگیرنده بدست می‌آید پس هدف‌های آموزشی و پرورشی باید از این مطالعات و بررسی‌ها حاصل شود.
۷. یادگیرنده را باید آزاد گذاشت تا آنچه را مایل است انتخاب کند و بیاموزد و معلمان می‌بایست نقش راهنما و تسهیل کننده را بازی کنند.



۸. مطالعه کودک و مشخصات جامعه امروزی با در نظر گرفتن سوابق گذشته و پیش‌بینی آینده باید منشاء هدف‌های آموزشی و پرورشی باشد.

نکته: از نظر کونتز ضعف تلیم و تربیت پیشرفت گرا، علاوه بر هرج و مرج‌طلبی و فردگرایی افراطی این است که، هیچ نظریه کاملی برای رفاه اجتماعی ارائه نکرده است.

➤ مکتب ناتورالیسم (اصالت طبیعت)

فلسفه اصالت طبیعت، قدیمی‌ترین فلسفه محض مهم است. که با نام‌های ناتورالیسم و طبیعت‌گرایی معروف شده است. طبیعت را تنها واقعیت مهم می‌داند و تقریباً به غیر از آن معتقد نیست. به عبارت دیگر آنچه از نظر این گروه فلسفی واقعیت دارد طبیعت است و طبیعت انسان نیک است. بنابراین مبنای تربیت، طبیعت انسان است و آموزش و پرورش دانش‌آموز را برای زمان حال آماده کند نه زمان آینده.

دنایای فیزیکی یا طبیعی آن چنان که حواس ما در می‌یابند، واقعی است و علت و قدرت فراسوی طبیعی بر جهان حکم نمی‌راند. بلکه جهان قائم به ذات است. توضیح آن در خودش است و خود راهنمای خود است. فعل و انفعال‌های جهان، هدف غایی و انسانی ندارد بلکه بدون منظور و مشروط است. طبیعت‌گرایی معاصر با آن گروه از فلاسفه که درباره طبیعت و عناصر متشکله آن بحث می‌کردند، فرق می‌کند. از نظر طبیعت‌گرایان واقعیت و طبیعت یکی است و زندگی خوب زندگی است که همساز با طبیعت باشد.

طبیعت‌گرایان زندگی بدنی، ذهنی، اخلاقی و روحی انسان را هم یک امر و پدیده طبیعی مانند سایر جنبه‌های طبیعت می‌دانند و ارزش‌های اخلاقی فعالیت انسان، به زمینه‌های طبیعی بستگی دارد. فلسفه تربیتی طبیعت‌گرایی بر پایه روانشناختی بنیانگذاری شده است.

فلسفه طبیعت‌گرایی ساده‌ترین فلسفه‌های محض است که آدمی را فرزند طبیعت می‌داند نه جامعه. این سیستم فلسفی روی زندگی همساز و هماهنگ با طبیعت و کاربرد روش استقرایی (علمی) تأکید دارد. جامعه از افراد نتیجه می‌شود که خود را در یک قید اجتماعی به همدیگر مرتبط ساخته‌اند تا از هرج و مرج در امان باشند.

معرفت‌شناسی طبیعت‌گرایی

طبیعت‌گراها به دلیل اعتقاد به:

«واقعیت مستقل و خارج از ذهن و عقل انسان وجود دارد». با واقع‌گرایان یا همان رئالیست‌ها مشابهت دارند. ولی برخلاف واقع‌گرایان که پرسش‌های مربوط به معرفت تأکید دارند؛ به ما بعدالطبیعه تأکید دارند. طبیعت‌گراها به دلیل اعتقاد به:

تجربه و اهمیتی که به تجربه می‌دهند در ردیف تجربه‌گرایان قرار می‌گیرند.

از دیدگاه طبیعت‌گرایان، حواس آدمی مهمترین و معتبرترین وسیله کسب معرفت است و تجربه حسی است که اطلاعات معتبر در اختیار انسان می‌گذارد. جهان خارج را می‌توان به کمک حواس و تجربه دریافت و معرفت بدست آمده از این راه برای شخص معتبر و قابل اعتماد است.

ارزش‌شناسی طبیعت‌گرایی

طبیعت‌گرایان سرشت آدمی را خوب می‌داند که محیط بعداً آن ذات پاک را غالباً آلوده می‌کند. بنابراین آنچه با طبیعت خوب انسان سازگار باشد و برایش سودمند باشد دارای ارزش است و میزان انطباق با طبیعت انسان، بهترین و معتبرترین معیار سنجش ارزش‌ها می‌باشد. تربیت باید بر آنچه که برای کودکان طبیعی است، مبتنی باشد. به عبارت بهتر آموزش و پرورش صحیح و مطلوب را می‌توان در هماهنگی و انطباق با طبیعت خلاصه کرد.

حواس طبیعی بهترین و تنها وسیله کسب معرفت در انسان است. از میان منابع شناخت یعنی عقل، شهود و تجربه؛ تجربه را تنها راه کسب معرفت می‌دانند.

اصول تربیتی مکتب طبیعت‌گرایی بر فلسفه تطور و تکامل انسان استوار است و هدف از آموزش و پرورش را آماده ساختن فرد برای پیروزی در تنازع بقا می‌دانند یا به عبارت صحیح‌تر هدف آموزش و پرورش عبارت است از عمل یا فرایند سازگاری و یا



آماده ساختن فرد برای محیطی که در آن زندگی می‌کند؛ فرد باید از لحاظ روانی و بدنی سالم باشند تا بتوانند از زندگی سالم بهره‌مند باشند. طبیعت‌گرایان از جمله مهمترین آنها روسو عقیده دارند که ما زمان حال کودکان را فدای آینده آنها می‌کنیم. پیروان این مکتب گاهی مدارس را سرباز خانه‌هایی می‌دانند که آزادی کودک در آنها محدود می‌شود و بدترین مدارس آنهایی هستند که روش‌های غیر طبیعی بکار می‌برند. معلم در دیدگاه طبیعت‌گرایان ناظر و راهنمای کودک است که نباید به هیچ شکل در کودک اثر بگذارد و آموزش و پرورش کودک بین ۵- ۱۲ سالگی بایستی سلبی باشد.

بعضی از اعتقادات طرفداران مکتب ناتورالیسم

۱. فقط قوانین طبیعت است که آثار و مظاهر عالم خارجی را بیان می‌دارد.
 ۲. علوم طبیعی منبع معرفت و دانش است.
 ۳. دانش و علم از طریق مشاهده و به وسیله حواس انسان حاصل می‌شود.
 ۴. انسان ذاتاً پاک و منزّه متولد می‌شود و این اجتماع است که او را آلوده می‌کند.
 ۵. زندگانی هر چه طبیعی‌تر باشد بهتر است.
 ۶. آموزش و پرورش باید بر اساس نظمی که در طبیعت وجود دارد تنظیم و انجام شود.
 ۷. باید به طبیعت کودک و مراحل رشد طبیعی او احترام بگذاریم و حتی‌المقدور در آنها دخالت نکنیم و سعی نماییم که هدف‌های آموزشی و پرورشی ما در جهت توسعه و تقویت رشد طبیعی بکار رود نه خلاف آن.
- از فلاسفه و مربیان معروف این مکتب می‌توان: پستالوژی، هربرت و فروبل را نام برد.

➤ نهضت انسان‌گرایی

نهضت انسان‌گرایی در جوامع صنعتی و پیشرفته امروزی چنان بالا گرفته که در افکار و گفتار و کردار نسل‌های این جوامع به خوبی نمایان است. نهضت انسان‌گرایی با فعالیت روانشناسانی مانند: مازلو و تئوری‌پردازان تربیتی چون پیاژه ارزش و اعتبار علمی یافته است.

کوراری اعتقاد دارد که از راه برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی انسان مدار باید به انسان‌ها کمک نمود که خود را بیابند و روابط انسانی و سازنده‌ای با دیگر انسان‌ها برقرار کنند.